

● چرا ارتضی اسرار نظامی
امریکا را نایسود ساخت؟

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰

صفحه

- قیمت

۷۰

ریال

نقش تیمسارهای ارتضی در عملیات نظامی امریکا

میهن ما تدارک دیده که صحنه اول نمایش آن متوجه آزاد ساختن گروگان‌ها بوده است. به این ترتیب امپریالیسم امریکا با تجاوزی آشکار به میهن و مردم ما، باردیگر دشمنی خود را با جلقوهای به پا خاسته جهان اعلام کرد و تلاشهای مذبوحانه‌ای پیشید در صفحه ۲

و ۶ هواپیمای پاره‌بری سی-۱۳۵ به همراه ۹۰ کماندو در نقطه‌ای واقع در بک بخش دور افتاده ایران، یعنی نواحی کوپیری طبس فرود آمدند تا سوخت‌گیری کنند. معلوم شد که امپریالیسم امریکا ^{ناتروطه} وسیع و همه‌جانبه‌ای سه کمک دوستان و جایوسان خود علیه مودم

بعداز ظهر روز جمعه، پیاز آنکه خبرگزاری‌های سراسر جهان از قول رئیس‌جمهوری امریکا و دیگر مقامات امریکائی، خبر ناکام ماندن تهاجم نظامی امریکا به ایران و عملیات شکست‌خورده نظایران و ماموران سیا را منتشر دادند، مقامات ایرانی به نحو ضد و نقیضی تأیید کردند که ۸ هلی کوپتر

مبازه و مقاومت

درس بزرگ تاریخ جنبش دانشجویی ایران

خوبی برای رهائی از قید است
بهره‌کنی و سلطنه جونی
امپریالیسم، آرامش ندارند.
در صفحه ۱۶

سزوکوبگران خلق با مدورفرمان
کشتار دانشجویان، صحن
دانشگاه را آغشته به خون
جوانانشی کرده‌اند که لحظه‌ای در
راه آگاه کردن توده‌ها به منافع

دانشگاه‌های ایران یکسال
بعد از قیام خونین خلق، بار
دیگر شاهد مبارزه و مقاومت
دلاورانه جوانان آگاه و مبارز
میهنان شد و بار دیگر

روز معلم، شهادت دکتر ابوالحسن خانعلی را گرامی بداریم

معلمین در پیوند با میلیون‌ها دانش‌آموز

آگاهی را به میان خانواده زحمتکشان می‌بند و پیوندهای استواری
با مردم برقرار می‌کنند

توده معلمین که بخش بزرگی از مردم زحمتکش نشها را می‌توانند در جنبش انقلابی خلق بر
ما هستند، نقش بسیار اساسی در تحول جامعه دوش کشند.
بر عهده دارند زیرا از آنجا که با میلیون‌ها
نوجوان خلق سروکار دارند و امر آموزش و
تربیت آنان را بر عهده گرفتماند، حساس ترین معلمین سخنی خواهیم داشت. در صفحه ۱۶

بنابراین سالکرد نج سایکون (شیوه‌شناسی) و آزادی کامل و پیشام

در این شماره:

■ شکست جهانی امپریالیزم آمریکا هر روز نزدیک ترمی شود

■ پیامون شطر اساسی
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

متعدد شون در صفحه

عملیات شکست خورده امریکا برای نجات گروگانها

ماهیت امریکائی نقشه اشغال دانشگاه‌ها و کشتار دانشجویان را بر ملا کرد!

در صفحه ۱۳

در صفحه

■ بحران در صنعت نفت

زمینه‌های تهاجم به دانشگاهها و جمعیتی تجربیات اخیر دانشجویی

موج وسیع تهاجم به دانشگاه‌ها، تهاجم سراسری ارتضی در کردستان، قطع روابط سیاسی با امریکا تشدید مخاصمات با رژیم عراق، تشدید تفاصیل جنگ افغانستان و چشم‌انداز روابط حکومت ایران با اتحاد شوروی و از همه مهمتر تشدید تفاصیل در هیئت حاکمه بین جنایتی صدر و حزب جمهوری اسلامی و بالآخره تهاجم نظامی امریکا که همگی با تشدید بحران اقتصادی و بر راس آن بیکاری و گرانی همراه شده‌اند، نشان می‌دهد که اوضاع عمومی میهن ما و چشم‌انداز آن آبستن تشدید باز هم بیشتر بحران سیاسی و بحران اقتصادی است. معنای دیگر این حرف آن است که منازعات طبقاتی در تمام ابعاد آن رو به گسترش است.

پیشید در صفحه ۳

پیشنهاد ماه مه روز جهانی کارگر

پیشنهاد ای اردیبهشت ۵ قیمت ۵ ریال سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اول ماه مه - میدان آزادی



با شرکت در مراسم میدان آزادی،

جشن روز جهانی کارگر را

هر چه باشکوهتر برگزار کنیم.

پیشنهاد ۱۱ اردیبهشت ۵/۳ بعد از ظهر
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

جشن اول ماه مه بروکارگران سراسر جهان خجسته باد

نقش تیمسارهای ارتش در عملیات ۰۰۰

سلطه امپریالیسم امریکا می‌گذارد. بررسی چنگونگی گسترش ناگهانی جنگ در کردستان توسط ارتش و تشید کشان غلق کرد نیز حقایق دیگری را به مانشان می‌دهد. در این بررسی که می‌توان براساس مدارک واقعیت‌های بیشماری آن را مدلول کرد سیاست سلطه‌درهیئت نایابندگی خلق کرد. سیاست صلح طلبانه و متکی بر مطالبات حق طلبانه خلق کرد بوده است سیاست شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور علی‌غم اقدامات و تلاش‌های صلح طلبانه هیئت نایابندگی خلق کرد متکی بر تحمیل نظریات یک جانبیه و بنی‌اعتنایی مغضوب به مطالبات بر حق مردم کردستان بود. بر این زمینه فرماندهان ارتش با هدف بازسازی ارتش و تقویت موقعیت خود در جمهوری اسلامی تمام تلاش خود را به کار بستند تا جنگ کردستان بار دیگر شعله‌ور شود و با کشان وحشیانه مردم بی‌دفاع شهرها، با بمباران مناطق مسکونی راه را بر حل صلح‌جویانه مسالم کردستان ببندند. فرماندهان ارتش با بهانه انجام مأمورهای نظامی به تحریک و گسترش درگیری‌های موضعی در کردستان پرداختند. کشان قله‌تان و درگیری‌های دره قاسملو کتمایلات قشیر و شدیداً ضدکمونیستی حزب جمهوری اسلامی و عوامل و محافل نزدیک به آن در دامن زدن به این درگیری‌ها نقش مهمی داشته است، دامنه جنگ را افزایش داد و قتل عام روسای "قله‌تان" فاجعه جنگ تحمیلی را قریب الوقوع تر ساخت. تا آنجا که به تحمیل جنگ سندج انجامید. کشان بی‌رحمانهای که هم اکنون در سندج جریان دارد، نشان من دهد که چنگونه سمت و سوی این جنگ از یک سو سرکوب نیروهای انقلابی و از سوی دیگر منحرف ماختن مبارزات ضدامپریالیستی مردم میهن ماست. فرماندهان ارتش که به بهانه دفاع از مرزهای کشور، مردم و انقلابیون کردستان را وحشیانه شکار می‌گذارند، بی‌شرمانه از وجود پایگاه‌های امریکائی در داخل مرزها سخن می‌گویند و در مقابل ورود هواپیماها و هلی‌کوپترهای ارتش امریکا تا آنجا که در توان دارند مهر سکوت بر لب می‌زنند و سعی در پنهان ساختن حقایق می‌گذارند.

انفجارهای گوناگون در دو روز اخیر در تهران و شهرستان‌ها، پرده دیگری از این نمایش است که در عین حال ماهیت برپاکنندگان حوادث اخیر را روشن می‌سازد.

یک خط منتهٔ و سیاه همه این وقایع را به‌همدیگر مربوط می‌سازد. چه در کشان کردستان و چه در تهاجم به دانشگاه‌ها و کشان دانشجویان و چه بهره‌گیری‌های تبلیغاتی که به دنبال عملیات شکست خورده مأموران امریکائی به بازترین شکل دیده می‌شود سرکوب انقلابیون کمونیست و تشید نفاق ویراکنده‌گری‌ها در صفوف مردم ما تعقیب می‌شود. هرگاه عبیقت‌تر به رویدادهای جاری توجه کنیم ملاحظه می‌شود که مضمون مشترک همه این رویدادها متوقف کردن و منحرف کردن فیارزه ضدامپریالیستی مردم ماست، هدف سرکوب میازهای است که خواهان پیشرفت مبارزه ضدامپریالیستی در تعامل زینهای است. میازهای که برای نابودی سلطه امپریالیسم جهانی به سرکوبی امپریالیسم امریکا را در نابودی نظام سرمایه‌داری ایران که با هزاران رشته به امپریالیسم جهانی و سرکوبه آن امپریالیسم امریکا بپوند دارد می‌داند.

این اطلاعیه آشکارا حقایق تعریف شده و بدروغ اعلام شده است:

"در نتیجه تعقیب هواپیماهای نیروی هوایی جمهوری اسلامی ایران دو فروند هواپیمای امریکائی ... هنگام فرار از خاک ایران با یکدیگر برخورد نموده و آتشی گرفته در حوالی منطقه طبس سقوط می‌نماید."

هدف اساسی این اطلاعیه، یاک ساختن شک و تردیدهای مردم نسبت به ارتش جمهوری اسلامی پیرامون تهاجم نظامی امپریالیسم امریکا به ایران

آهداف رویدادهای اخیر: سرکوب انقلابیون کمونیست، تشید نفّاق و پراکنده‌گی نیروها در صفوف مردم و منحرف کردن مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های قهرمان ایران است.

تعقیب حوادث حقایق بیشتری را از تلاش کسانی که تمام کوشش خود را به کار می‌بندند تا حقایق از مردم پنهان مانند، آشکار می‌گذارند.

خبرگزاری‌ها فاش ساخته بودند که: "یکی از هلی‌کوپترهایی که پس از عملیات نافرجم در ایران بر جای مانده است حاوی اسنادی است که جزئیات عملیات "نورسیز" را مشخص می‌گذارد." بمباران هلی‌کوپترها و هواپیماهای امریکائی

● سیاست تبلیغاتی که حکومت در پیش گرفته است، حقایق تجاوز نظامی امریکا را از مردم پنهان می‌گذارد، مز دوستان و دشمنان مردم را مخدوش می‌سازد، و به دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا کمک می‌گذارد تا چهره واقعی خود را از مردم همچنان پوشیده نگهدازند.

در محل سقوط و فرود هواپیماها، در حقیقت یک اقدام عملی مشخص برای نابودی مدارک و استنادی بوده است که می‌توانست حقایق فراوانی از تهاجم نظامی امریکا را برای مردم میانه می‌آشکار و مشت دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا را باز کند.

در همین رابطه کشته شدن رئیس پاسداران بیزد، که براساس اطلاعیه سیاه پاسداران مصاحبه تلویزیونی فرمانده پاسداران منطقه در جستجوی استناد و مدارک بوده است قابل تاکید است. نحوه تیراندازی به سوی پاسداران نشان می‌دهد که این عمل با اطلاع و آگاهی از چنگونه فعالیت‌های آنان و آز نزدیک صورت گرفته است و هدف مستقیم آن از بین بردن اطلاعاتی بوده است که از امریکائی‌ها به جا مانده بود.

به این ترتیب جای هیچگونه تردیدی باقی نمی‌ماند که شبکه دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا در درون حکومت به ویژه در راس و در فرماندهی ارتش جمهوری اسلامی ایران با تمام توان خود مانع از کشف و افشاگری اسرار توطئه نظامی امریکا شدند. این شبکه کانون اصلی پیشود سیاست هایی است که در بالاترین سطوح رسمی و دولتی سعی در هموار کردن راه برای تحکیم

پیش از هجزیر نشانه‌های مرگ و نابودی اوست.

تجاوز نظامی امریکا، در موقعیت صورت گرفت که حزب جمهوری اسلامی به کم اوپاگان و باندهای سیاه تهاجم سرتاسری به دانشگاه‌ها را سازمان داد و شورای انقلاب و رئیس جمهور چنان کردند که دهها دانشجوی انقلابی با گلوله پاسداران به خون غلطیدند و به شهادت رسیدند. تجاوز نظامی امریکا در شرایطی صورت گرفت که تلاذگاهی فرماندهان ارتش در تحمیل جنگ دیگری به خلق کرد به نتیجه رسید و شهر سندج و یزدگاهی مبدل گرد. بطوری که هم این‌که چشم‌اندازی از یک جنگ تحمیلی سرتاسری کردستان را تهدید می‌گذارد.

حقیقتی که در تکاهی سطحی به رویدادهای سیاسی دو هفته آشکار می‌شود ارتباطی است که بین تشید جنگ در کردستان و کشتاری ساقه و بیرحمانه دانشجویان انقلابی در سراسر ایران و تهاجم نظامی امریکا وجود دارد.

جناحهای مختلف حکومت هریک می‌گوشند این ارتباط و پیوستگی را در جهت تحکیم موضع و موقعیت خود مورد بهره‌برداری‌های تبلیغاتی و سیاسی وسیع قرار دهند.

تبلیغات روزهای اخیر یکی از هدف‌های را که دنبال می‌گذارد آن است که تکه‌های مردم شبکه دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا در ایران را بشناسند. شبکه‌ای که اجرای عملیات نظامی امریکا، بدون کمک و مشارکت فعل آنها غیرممکن بود.

● سیاست تبلیغاتی که حکومت در پیش گرفته است، حقایق تجاوز نظامی امریکا را از مردم پنهان می‌گذارد، مز دوستان و دشمنان مردم را مخدوش می‌سازد، و به دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا کمک می‌گذارد تا چهره واقعی خود را از مردم همچنان پوشیده نگهدازند.

سیاست تبلیغاتی کنونی بر حقایقی که تاکنون آشکار شده است پرده می‌اندازد و دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا کمک می‌گذارد که چهره واقعی خود را از مردم همچنان پوشیده نگهدازند.

سیاست اطلاعات موجود، پس از شکست عملیات نظامی امریکا، وزارت خارجه ایران که زیر نظر صادق قطب زاده کار می‌گذارد به دولت امریکا اطمینان می‌دهد که دولت ایران سعی خواهد کرد قضیه در اذهان عمومی بزرگ نشود و دانشجویان مسلمان مستقر در سفارت را وادار خواهد کرد از عکس‌العمل تند خودداری کنند. نخستین اطلاعه ستاب مشترک ارتش جمهوری اسلامی، در تعقیب سیاست که حقایق را از مردم پنهان می‌گذارد تنظیم و صادر می‌شود. در

زمینه‌های تهاجم به دانشگاهها

بقیه صفحه ۱

تائیزاتی را ایجاد کند که اشغال سفارت در بی داشت. حزب جمهوری اسلامی با تدارک و سازماندهی حمله به دانشگاهها دست به قیلری بزرگ زده است که با توجه به مضمون آن و با توجه به سیاستی که نیروهای انقلابی در برای آن پیش گرفتهند محکوم به شکستی قطعی و مفتخانه است.

برای اولین بار پس از قیام نیروهای انقلابی نقشی تا این حد موثر و مهم در تغییر اوضاع سیاسی، در تغییر جو و فضای سیاسی و از همه مهمتر در تعادل قدرت میان جناح‌های حاکم پهداگرداند. عکس العمل نیروهای متفرق در برایر پوش فاشیستی به دانشگاهها چنان حساس و مهم است که هم می‌تواند میهنان را ناسرخد سلطه یک جریان فاشیستی پیش راند، هم می‌تواند به تشییع وضع شورای انقلاب و تسلط جناح لیبرال آن منجر شود و می‌تواند به تأثیر فضای بسیار مساعد برای کستریوتوداوم انقلاب و رشد نیروهای انقلابی و روسوایی و شدت این تهاجم و حشیانوغامیان مستقیم و غیر مستقیم آن بیانجامد.

بجز جنگ مقاومت کردستان تاکنون قطعاً نشست هیچ پیک ارتکتیکهایی که حکومت بکار بسته است تا این حد به موضعی که نیروهای انقلابی در برایر آن پستگی نداشته است. در جریان وقایع اخیر دانشگاهها و در تضاد و مبارزه ای که بین جناح‌های حاکم درگیر است شکست با پیروزی یکی برده بکری یا رشد اتفاقاً کونه نیروهای انقلابی در برایر قدرت حاکم مشخصاً پستگی به موضوع و پیاستی دارد که نیروهای انقلابی در برایر این تهاجم اتخاذ می‌کنند. مشخصتر بگوییم تائیر عکس العمل نیروهای انقلابی و حتی عکس العمل یک جانبه نیروهای نیروهای پیشگام در برایر این نقشه حزب جمهوری اسلامی و شرکاً تا آن حد بود که هم می‌توانست بهارهای پاشیده شدن ترکیب فعلی شورای انقلاب و با سقوط بنی صدر و شغل طلاقه می‌باشد. از دست دادن حزب جمهوری اسلامی و تسلط بلاعی و مبارزه ای که منجر شود، هم می‌توانست شکست مفتخانه ای را در حزب جمهوری اسلامی وارد آورد و نقشه آنان را برای سرکوب نیروهای انقلابی نقش برآب سازد و کاری کنده. نفوذ این حزب در ساخت حکومتی بیش از پیش نقصان باید. هم می‌توانست بهزار همه به سود نیروهای انقلابی و اثبات حقانیت آنان و دموکراتیک کردن جو عمومی جایه تمام شود.

ذکر و تأکید این نکات از آنجا ضروری است که باید کمال مسئولیت دریابیم که چگونه شرایطی فراهم آمده است تا دادعوایی که بر سر اطاق‌های دانشجویی درگرفته است می‌تواند بازتابی نایابی این حد وسیع در تحول اوضاع سیاسی حاکم بر جایه مان بر جاگذارد. نکته جالب این است که بسیاری از فعالین سیاسی و حتی بسیاری از رفقاء اما هم هنوز به ظرافت و اهمیت اتخاذ سیاست درست در برایر پیچیدگی هایی که در جریان تهاجم به دانشگاهها پدید آمده است واقع نیستند و تنها بطور یک‌جانبه و ساده انکار آن خیال می‌کنند دعوا بر سر داشتن با برچیدن دفاتر یا انتشارهای پیشگام و دیگر سازمان‌ها در دانشگاه‌های مختلف است. بعلاوه بسیاری از رفقاء فکر می‌کنند که بسیار طبیعی است که در برایر تعریف و حشیانه اواباشان و سیاه پاسدار به دانشگاه باید از حق خودشان در داشتن دفاتر فعالیت سیاسی و صفتی تنها به صورت ایجاد سد مقاومت از دفاتر پیشگام دفاع کنند. اولین حرف ما این نیست و نباید باشد که در برایر مساله اطاق‌ها با توجه به اهمیت این اطاق‌ها و در تسهیل مبارزه سیاسی و صفتی در دانشگاه چه کار باید بکنیم؟ اولین حرف ما این است که اتخاذ این یا آن سیاست در برایر مساله اطاق‌ها چه تائیری در اوضاع و احوال عمومی کشور و وضعیت و جو سیاسی اعمومی مبارزه طبقاتی بر جای خواهد نهاد. اولین مسلله ما این است که در کنیم ابعاد عملکرد مساله خیلی فراتر از داشتن یا نداشتن اطاق است. ابعاد مسلله خیلی فراتر از مزه‌های دانشگاه است. تنها برای درک عمیق این مساله است که می‌توان و باید باید حرف‌های این یا آن رفق می‌باشد.

بقیه صفحه ۱۸

جناب‌های حاکم پیش آمد که حزب جمی و دیگر روحانیون و استادهای آن که در سراسر ایران هنوز نفس‌سود سیاسی قابل توجهی دارند دیگر قادر نیستند تحکمات و طرح‌های خود را بدون ملاحظه جناح دیگر به رهبری بینی صدر به اجرا در آورند. مهار برگزاری مراسم ۲۲ بهمن سالگرد قیام، و ۱۲ فوریه روز جمهوری اسلامی که مهمترین سالگرد های سیاسی هستند، هر دو از ذست حزب جمهوری که بسیار مشتاق بود گردانند آن باشد در آمد و به دست بینی صدر افتاد. سیاست بینی صدر نیز به رادیو - تلویزیون راه یافته و از اعصار حزب جمهوری اسلامی که این روحانیون از جمله اینهاست اخیر رخ داده است. دقیقاً همین تحولات بوده است که در بوده است که حزب جمهوری اسلامی و اعماق این روحانیان را در تغییر اوضاع سیاسی و از همه می‌باشد. این روحانیان همین تغییرات را در آغاز این روزهای اسلامی و مبارزه ای که این روحانیان را در تغییر اوضاع سیاسی و از همه می‌باشد. این روحانیان همین تغییرات را در آغاز این روزهای اسلامی و مبارزه ای که این روحانیان را در تغییر اوضاع سیاسی و از همه می‌باشد.

موج هجوم به دانشگاه‌ها که از جانب انجمن‌های اسلامی و دیگر افرادی که تحت رهبری حزب جمهوری اسلامی سازمان داده شده بود گرچه در ظاهر بسیار بلا مقدمه به نظر می‌رسید اما چندان همچنانه این تهاجم محصول یک رشته تحولاتی است که در ماههای اخیر رخ داده است. دقیقاً همین تحولات بوده است که حزب جمهوری اسلامی و اعماق این روحانیان را در تغییر اوضاع سیاسی و از همه می‌باشد. این روحانیان همین تغییرات را در آغاز این روزهای اسلامی و مبارزه ای که این روحانیان را در تغییر اوضاع سیاسی و از همه می‌باشد.

۱- تشدید نارضایی توده‌ها که در وجه غالیان به صورت مبارزه زمین‌های کشاورزی توسط هقانان، موج این انتقام از اپارتمان‌ها و خانه‌های خالی، اعمال قدرت و اعمال فشارهای توده‌ای بر صاحبان و مدیران موسسات تولیدی و نقض حق مالکیت تامه به چشم می‌خورد، و گسترش اعتراضات کارگری و کارمندی برای به دست آوردن حقوق سیاسی و صفتی.

۲- انتشار نتایج انتخابات که حاکم از رشد سریع حفظ توده‌ای از آبوزیسون انقلابی است، طی مکتربه ۸ ماه طور متوسط تعداد آرای نیروهای جمی به دو برایر توده‌ها و رشد نارضایی و اعتصاب آنها، رشد و تحکم روزافزون موقعیت نیروهای انقلابی، تشدید تضاد بین رئیس‌جمهوری با حزب جمهوری اسلامی که معلمکردی مبارزه می‌داند خیل مردم با در نتیجه گرویدن آنها به نیروهای انقلابی آرای این حزب در سراسر ایران به حدود نصف تنزل یافته است.

۳- تکرار وسیع و مداوم درگیری مردم با پاسداران انقلاب اسلامی و کمیتها نفوذ توده‌ای حزب جمهوری اسلامی را که عموماً تحت نفوذ این حزب هستند کاهش داده است. این درگیری‌ها در شهرهای مختلف روحیه اعتراض مردم و نارضایی توده‌ها از پاسداران و کمیتها را تشدید کرده است. در بسیاری نقاط این نارضایی به نفرت بدل شده است که از ازلى، کند، درود، اندیمشک بسیاری از شهرهای استان، تمام شهرهای کردنشین و پلوچستان نیونمهای آن هستند. این قدرت مسلح حزب جمهوری اسلامی روز بروز بیشتر از مردم جدا می‌شود و در برایر مردم قرار می‌گیرد.

۴- رشد سازمان پافتگی و قدرت تبلیغ توده‌ای سازمان‌های انقلابی به ویژه فدائیان خلق و مجاهدین خلق، رشدی که بیش از هرجای دیگر در سطح دانشگاه‌ها و مدارس طی یک سال گذشته بطور چشمگیر و خوبین جنیش مقاومت خلق کرد را به تسلیم گشانند. آنها در مقابله کردن با کمونیست‌ها سرکوب آنها، منفرد کردن آنها، عوامگری علیه آنها اتفاق نظر دارند. آنها در برایر بحران افغانستان و در برایر روزنامه عراق موضوع نسبت واحد دارند هر چند که شیوه‌های عمل آنها باهم متفاوت است و تباید این تفاوت از نظر پنهان بماند) در چنین شرایطی حزب جمهوری اسلامی خود را ملزم می‌دید با طرح یک تیر دونشان "دشمن" که هر دو می‌کوشند و آرزو دارند به زیان وی در حال تحول بود به سود خوبی تغییر دهد.

۵- تشدید تضاد در درون شورای انقلاب. یک جناح به رهبری بینی صدر و جناح دیگر به رهبری گردانندگان حزب جمهوری اسلامی در برایر هم متخلل شدمانند. در چند ماه اخیر کم کم آشکار شد که یک جناح از نهضت آزادی همراه با یک جناح از جبهه ملی که عموماً هبران بسیار محافظه‌کار و قدیمی را قبول نداشتند گردبینی صدر جمع شدمانند.

انتخاب بینی صدر به ریاست جمهوری برای حزب جمهوری اسلامی نه تنها مطلوب نبود بلکه حتی قابل تعلیم هم نیست. پس از نیازهای مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، اختلاف بزرگ نموده بروخورد گروگان‌ها و نموده اداره رادیو - تلویزیون بازترین وجوه اختلاف نظر بین دو جناح حاکم بوده است. این این اختلافات در روزهای قبل از آغاز هجوم به دانشگاه‌ها به اوج خود رسید.

۶- برای اولین بار بعد از قیام وضعیتی در ترکیب

● بروای اولین بار پس از قیام نیروهای انقلابی نقشی تا این حد موثر و مهم در تغییر اوضاع سیاسی، در تغییر جو و فضای سیاسی و از همه مهمتر در تعادل قدرت میان نتایج مجلس شورای اسلامی تا آنجا که قابل پیش‌بینی است حاکم از پیروزی حزب جمهوری و سایر جناح است.

باید روی نقاط وحدت حزب جمهوری اسلامی و جناح بینی صدر هم انکشت گذاشت و باید آور شد که بینی صدر می‌کوشد با تأکید و تبلیغ روی این جنبه‌های وحدت مانع از آن شود که حزی جمهوری اسلامی با تبلیغ روی جنبه‌های تضاد زیر پای بینی صدر را خالی کند. بینی صدر در مورد کردستان نزد یک‌تیرین سیاست را نسبت به حزب جمهوری اسلامی دارد. هر دو می‌کوشند و آرزو دارند به زور ارتضی و پاسداران از طریق سرکوب آرزو و خونین جنیش مقاومت خلق کرد را به تسلیم گشانند. آنها در مقابله کردن با کمونیست‌ها سرکوب آنها، منفرد کردن آنها، عوامگری علیه آنها اتفاق نظر دارند. آنها در برایر بحران افغانستان و در برایر روزنامه عراق موضوع نسبت واحد دارند هر چند که شیوه‌های عمل آنها باهم متفاوت است و تباید این تفاوت از نظر پنهان بماند) در چنین شرایطی حزب جمهوری اسلامی خود را ملزم می‌دید با طرح یک تیر دونشان "دشمن" که هر دو می‌کوشند و آرزو دارند به زیان وی در حال تحول بود به سود خوبی تغییر دهد.

خطمه دانشگاه‌ها و مدارس عالی تاکتیک نسجیدهای بود که از جانب این حزب و حامیان وی از مدت‌ها قابل طراحی شده بود. برای حزب جمهوری این تاکتیک خصلت یک تیر دونشان "دشمن" داشت. از یک سو خواب سرکوب جنبش‌انقلابی دانشجویی می‌توانست هراسور را آنها از این اتفاق نظر بینهایتی که هر دو می‌کوشند کاری کند که تاکتیک نسجیدهای این اتفاقی جنیش توده‌ای و مبارزه ای باشند. این تاکتیک بسیار مخالفه‌کار و قدیمی را قبول نداشتند گردبینی صدر جمع شدمانند.

انتخاب بینی صدر به ریاست جمهوری برای حزب جمهوری اسلامی نه تنها مطلوب نبود بلکه حتی قابل تعلیم هم نیست. پس از نیازهای مربوط به انتخابات ریاست جمهوری، اختلاف بزرگ نموده بروخورد گروگان‌ها و نموده اداره رادیو - تلویزیون بازترین وجوه اختلاف نظر بین دو جناح حاکم بوده است. این این اختلافات در روزهای قبل از آغاز هجوم به دانشگاه‌ها به اوج خود رسید.

گواهی باد حماسه شهادت دلورانه دانشجویان زمینه و اقلایی دانشگاه‌های ایران

بیلان اقدامات امپریالیسم امریکا در ایران در دو هفته اخیر

۱- تشدید جنگ در کودستان و کشتار صدھا هم میهن ما در اثر بمبازاران های هوائی و توپخانه.

۲- کشتار بیش از ۴۰ نفر از دانشجویان و مردم در تهاجم وحشیانه وسیع به دانشگاهها در سراسر ایران.

۳- اعزام ۹۰ نفر تفنگدار به ایران و طرح یک کودتای نظامی به همدستی ایادی ایرانی که با شکست مواجه شد.

۴- برای جلوگیری از کشف اسناد، هلی-کوپترهای امریکائی بمبازاران و پاسداری که اسناد را به دست آورده بود، به شهادت رسید.

۵- بمبگذاری به منظور ایجاد ترس و وحشت در میان مردم و تقویت روحیه دشمنان شکست خورده مردم.

آثار و نتایج عفو و آزادی ساواکی ها و هنگاری با جنایتکاران رژیم شاه بدیرج آشکار می شود:

تشدید کشتار خلک کرد، توطئه نظامی امپریالیسم امریکا که تصادفاً شکست می خورد و محظوظ آثار و اسناد آن از طریق بمبازاران هلی-کوپترها و کشن پاسداری که به اسناد دست یافته بود، کشتار بیش از ۴۰ نفر از دانشجویان و بالاخره طرح بمبگذاری در اماکن عمومی تنها گوشی از جنایات این جنایتکاران است که یکی پس از دیگر و در ارتباط با یکدیگر طی دوهفته اخیر به اجرا گذاشته شده است.

انفجار بمب در ۴ مکان عمومی جزئی از

نقشه همه جانبه امپریالیسم امریکاست که

توسط عوامل داخلی آن به اجرا گذاشته می شود

۳- تلاش در جهت مخدوش ساختن اذهان مردم و منحرف ساختن مسیر مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران.

۴- ایجاد جوار عاب، اختناق بدینی و تعزیز روحیه مبارزاتی مردم و منصرف ساختن آنها از شرکت فعال و همه جانبه در مبارزات ضد امپریالیستی.

۵- تقویت روحیه بازماندگان رژیم سایه ساواکی ها و بطور کلی جبهه سیاسی تدارک یده شده بود، خون بیش از ۴۰ دانشجو

ما ضمن محکوم کردن همه جنایات تنگین امپریالیسم امریکا و سرمایه داری وابسته به آن هشدار می دهیم که تعییر اینکونه جنایات در آینده نیز توسط ایادی امپریالیسم و طبقه سرمایه دار در میهن ما به اجرا درخواهد دست به قتل عام زده است و بالآخره این نقشه زمانی به اجرا اجرا گذاشته شد که تهاجم نظامی امپریالیسم امریکا علیه مردم میهن ما با شکست روبرو شده و امپریالیسم جهانی، طبقه سرمایه دار ایران و محافل و باندهای سیاه وابسته به آن نه تنها از کشتارهای خونین در دانشگاهها و سندج و سقز نتیجای نکرفته اند، بلکه در اثر پایداری و هوشیاری دانشجویان و مردم چهره همه محافلی که مستقیم و غیرمستقیم در خدمت امپریالیسم امریکا قرار دارند، بیش از پیش در همه عوامل و محافل وابسته آن آشنازی دارند، در برابر تهاجمات دشمن هوشیارتر از گذشته صفو خویش را بیش از پیش یکارچه خواهند ساخت و همه اقداماتی که برای شکست مبارزات مردم و تحکیم سلطه فرماده اند بیهن ما که امروز با دشیمهای طرح های امپریالیسم امریکا و همه عوامل و محافل وابسته آن آشنازی دارند، در برابر تهاجمات دشمن هوشیارتر از گذشته صفو خویش را بیش از پیش یکارچه خواهند ساخت و همه اقداماتی که برای شکست مبارزات مردم و

بدون شک مردم این میتواند امروز با دشیمهای امپریالیسم امریکا و طرح های امپریالیسم امریکا و همه عوامل و محافل وابسته آن آشنازی دارند، در برابر تهاجمات دشمن هوشیارتر از گذشته صفو خویش را بیش از پیش یکارچه خواهند ساخت و همه اقداماتی که برای شکست مبارزات مردم و

تحکیم سلطه فرماده اند تبلیغات و اقدامات احزاب و محافلی که همراهه تحت پوشش امپریالیسم در میهن ما صورت می کردد با شکست کامل روبرو حفظ نظم و آرامش و دفاع از اسلام خواستار سرکوب آزادی های سیاسی و سلب هرگونه حقوق دمکراتیک توده ها هستند.

۱- ایجاد زمینه برای تبلیغات و اقدامات احزاب و محافلی که همراهه تحت پوشش امپریالیسم در میهن ما صورت می کردد با شکست کامل روبرو حفظ نظم و آرامش و دفاع از اسلام خواستار سرکوب آزادی های سیاسی و سلب هرگونه حقوق دمکراتیک توده ها هستند.

۲- ایجاد این توهمند در توده ها که علت اینگونه جنایات، ضعف ارتضی، پلیس و دستگاه های امنیتی است و بدن و سلیه فراهم نمودن زمینه تقویت و تحکیم موقعیت ارتضی و دیگر نیروهای سرکوب

حزب جمهوری اسلامی طرح اصلی نقشه کشتار دانشجویان انقلابی است • سورای انقلاب مسئول مستقیم این فجایع است •



حزب جمهوری اسلامی و کمیته ها که طراح اصلی بورش های سراسری اخیر علیه دانشگاه ها و مراکز آموزشی هستند، تلاش دارند توطئه خود را که بستن دانشگاه ها، سرکوب آزادی های سیاسی، کشتار دانشجویان و دانش آموزان و انقلابیون خلق اند، به هر قیمت عطی سازند.

دیروز پس از بازشدن مجدد دانشگاه ها، اوپاش و پاسداران بار دیگر مسلحه بده دانشگاه ها یورش برده و تحت رهبری مستولین حزب جمهوری اسلامی، در رشت و اهواز دانشجویان را به خون کشیده اند و بیش از ده شهید دیگر به شهدای انقلاب ایران افزوده اند. هم اکنون حزب جمهوری اسلامی، با حرکات فاشیستی خود سعی دارد در شهر های بزرگ باعث درگیری و مشخصا خونریزی شود. اما از آنجا که این حزب واپیشان وابسته به آن به غلت رشد آگاهی مردم، دیگر قدرت پیشبرد هدف های خود را ندارد، به تحریک هرچه بیشتر ناکاهترین عناصر و بسیج آنها پرداخته اند.

در همین حال سورای انقلاب و رئیس جمهور که با صدور اطلاعیه های جمعه و شنبه گذشته مشخصا مسئول کشتار دانشجویان شناخته می شوند، می خواهند برای شهدای که خود مسئول کشتار آنها هستند، به اصطلاح تشییع جنازه برگزار کنند.

رئیس جمهور در سخنرانی دیروز خود در دانشگاه، حزب جمهوری اسلامی را که طراح اصلی کشتار و شهادت دانشجویان و انقلابیون بوده است، عمل تبریه کرد رئیس

جمهور مسئولیت سورای انقلاب را در این کشتارها انکار کرد و کوشید خود دانشجویان و

نیروهای انقلابی را مقصر جلوه دهد. سورای انقلاب اکنون هم می خواهد با برگزار

کردن مراسم تشییع جنازه ضمن پوشانیدن مسئولیت خود در فجایع اخیر دانشگاه ها

علیه این شهدا و آرمان آنها تبلیغ کند. ما این عمل سورای انقلاب را قویا محکوم می کنیم.

ما از همه هواداران خود می خواهیم که از شرکت در حرکات سازمان ها و گروه هایی که بدون مسئولیت و شناخت از موقعیت کنونی مانع پیشبرد سیاست های درست و اصولی می شوند، اکیدا خودداری کنند.

در لحظات حساس کنونی باید با هوشیاری کامل مانع از گسترش تحریکات حزب جمهوری اسلامی و ایادی آن گردید. در شرایط فعلی گسترش این تهاجمات که با بسیج عناصر

ناکاهه و تحریک شده صورت می گیرد، به زیان نیروهای انقلابی تمام می شود.

ما از همه مردم آگاه و مبارز می خواهیم که این به اصطلاح مراسم تشییع را تحریم و ماهیت آن را افشاء نمایند. ما از همه نیروهای انقلابی می خواهیم طراحان و مسئولین

فجایع اخیر دانشگاه ها یعنی حزب جمهوری اسلامی و سورای انقلاب و هدف های آنان را از کشتار دهها دانشجو در سراسر ایران با کار توضیحی و تبلیغی خود بطور وسیعی در همه جا برای مردم تشریح نمایند.

پرتوان باد جنبش انقلابی دانشجویی سنگر دفاع از آزادی های دمکراتیک برافراشته باد پرچم مبارزات انقلابی خلق های قهرمان ایران مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا



کارگران صنایع چوب، توطئه سرمایه دار

(تعطیل کارخانه) را خنثی کردند

جدا از کارخانه و مستقل و انعواد کند و آن را برای به زانود آوردن کارگران در دستش نگهدازد، از قبول خواستهای کارگران طفه می‌رود، براساس شکایت کارگران از کارفرما قرار می‌شود دادگاهی در این مورد تشکیل شود و به این امر رسیدگی کند. کارگران می‌گویند:

"اگر دادگاه هم حکم کند که اینجا مال کارفرماست، با وجود این ما نمایشگاه را از دست نخواهیم داد. زیرا عمر و بقای کارخانه بستگی به این نمایشگاه و دفتر مرکزی دارد."

کارگران که تاکنون با اتحاد و پیگیری‌شان توطئه‌های کارفرما و اخلاق را در تولید و فروش بارها خنثی نموده‌اند، اکنون بهش از پیش پیکارچه و مصمم هستند تا هرگونه اقدامات توطئه‌گرانه و ضدکارگری دیگر را نقش برآب سازند.

مدتهاست که کارفرما کارخانه صنایع چوب تهران به موسسه توطئه‌گری‌هایش علیه کارگران بوسیله شورای کارخانه اخراج شده و به دنبال آن کارخانه دولتی شده است. این کارخانه دارای نمایشگاه و دفتری برای کالاهای فریاد اعتراف و دادخواهی کارگران و نمایندگان آنها به جای نرسیده است. جدا از کارخانه قرار دارد. سرمایه‌دار مزبور، چندی قبل تلاش نمود تا با بدست گرفتن این نمایشگاه از فروش کالا بوسیله شورا و مدیر دولتی جلوگیری کند و بدین ترتیب کارگران را زیر فشار قرار داده و کارخانه را به تعطیل بکشاند. کارگران برای مقابله با این توطئه‌ها و با تأکید بر مستله ملی شدن کارخانه نامه‌ای به بنی صدر می‌نویسند ولی چون نتیجه‌های از این کار نمی‌گیرند، در تاریخ ۱۷ به نمایشگاه و دفتر مرکزی رفته و آن را مصادره می‌کنند. کارفرما که بیهوده می‌گوید نمایشگاه و دفتر مرکزی را

ولی از آنجا که آدمکشان و چتر امنیتی بنی صدر مصونیت سیاسی یافته و به اعمال ضد مردمی‌شان ادامه می‌دهند، فریاد اعتراف و دادخواهی کارگران و نمایندگان آنها به جای نرسیده است. حقایق فوق یکار دیگر ضرورت برخورد جدی‌تر نیروهای ترقیخواه و انقلابی با باندهای سیاه را مطرح می‌سازد گسترش باندهای سیاه و کم بهادران نیروهای انقلابی به مبارزه جدی با باندهای سیاه تا کنون ضربات سختی به جنبش انقلابی وارد آورده است. ما یکار دیگر ضرورت اتحاد عمل نیروهای ترقیخواه و انقلابی را در مقابله با باندهای سیاه یادآور می‌شویم.

چاقوکش معروف دست به این سرگردان نمکین زد و همزمان با چتر امنیتی بنی صدر مصونیت سیاسی یافته و به اعمال ضد مردمی‌شان ادامه می‌دهند، انقلاب با دیگر مسئولین منطقه هم‌صدا شده و دولتی در گیلان و با اجر نمایندگان را تهدید کرده و آنان را متهم به اخلال‌گری می‌کند و بالآخره در روز یکشنبه ۱۷ فروردین هنگامی که نمایندگان کارگران از اداره کار و امور اجتماعی خارج می‌شند، اویاشان اجیر شده با دشنه به آنها حمله کردند و جراحات بسیاری به نمایندگان کارگران وارد نمودند. دسته‌های اویاش به زنان کارگر با فحاشی و اهانت حمله کرده آنان را نیز مضروب کردند. هرچند شکایات کارگران و نمایندگانشان به تمام ارگانهای دولتی منجمله بنی صدر و شورای انقلاب ارسال شده و برای روزنامه‌های صبح و عصر نیز فرستاده شده است.

کارفرما یکان شرکت یارلوون، برای آنکه نمایندگان کارگران این ضرب و شتم را "پاسری" به عنوان معاون دادستان کل بالکاء، به حمایت مستولین دولتی در گیلان و سرگردان "باندهای سیاه"، به ضرب و شتم این نمایندگان پرداختند.

این مزدوران (که همواره توسط مسئولین ملکتی مورد حمایت قرار گرفته‌اند) به این هم اکتفا ننموده به زن و بچه‌های این نمایندگان نیز در خیابان‌ها حمله کرده و چادر یکی از زنان را از سرچشیدند و به آزار و اذیت آنان پرداختند تا از این طریق نمایندگان کارگران را وادار به تمکن در مقابل تعدیات و حق‌کشی‌های کارفرما کنند. عمرانی یکی از سهامداران بومی شرکت با اجیر کردن فیاضی دلال و باج‌بگیر و

کارفهای شرکت یارلوون با چیزگوzen باندهای سیاه

می خواهند از مبارزه کارگران جلوگیری کند!

کارگران مبارز صنایع را برای سرکوب شورا نقش بوآب کردند

کند، با اعتراض کارگران مواجه شد. یکی از کارگران گفت: "بله، دکتر بهشتی و امثال او قرآن را خیلی خوب بلدند ولی همه می‌دانیم که تا چه اندازه ضد کارگردند!" کارگران با گفتن "صحیح است" گفته او را تائید کردند کارگران توانستند با هشیاری و آگاهی، عوام‌گیری‌های هیئت مدیره را افشا نمایند. پس از آنکه هیئت مدیره و پاسداران از وعده وعیده‌های واهی‌شان نتیجه‌های نگرفتند، ناگزیر شدند برای آزادی نماینده کارگران توافقنامه‌ای را امضاء نمایند. کارگران مبارز صنایع آنام سرانجام موفق شدند در اثر پیگیری و اتحاد آگاهانه‌شان در روز ۱۹ فروردین نماینده‌شان را از زندان آزاد نمایند.

موقع فردی به نام قدوسی که خود را نماینده وزارت صنایع و معادن برای حل اختلافات معرفی می‌کرد، حکم جلب بقیه نمایندگان شورا را برای هیئت مدیره آورد. هیئت مدیره از این موضوع جان تازه‌ای گرفته و اعلام گرد که: "ما هیچ‌گونه مذاکره‌ای با شما (کارگران) نداریم. نماینده شمار ضدانقلاب است و باید محکمه شود." کارگران که از مدیریه از این فریضه آورد. هیئت مدیره نفرشان از وزارت صنایع و نماینده‌تان رسیدگی می‌شود. اگر بی‌گناه تشخیص داده شد از این خواهیم کرد" می‌گوید: "ما با این جواب شما همانهایی هستید که رهبران شوراهای ترکمن‌صحرای را در زندان اوین ترور کردید چگونه می‌توانیم به هیئت مدیره منصب وزارت صنایع و معادن اختار می‌کنند که مادامی که نماینده شورایشان آزاد نشود، هیئت مدیره حق خروج از ساختمان را ندارد. کارگران به اتفاق گروگان‌هایشان (سه نفر را اعضای هیئت مدیره) آتشب در ساعت ۳ بعد از نیمه شب را آزاد نخواهیم کرد." یکی از اعضا هیئت مدیره تحمیلی که سعی داشت خود را فردی طرفدار کارگر جا بزند و چند آیه هم از قرآن خواند که ادعایش را بتواند بهتر ثابت

پاسداران ناحیه ۶ به ساختمان آمده و سعی می‌کند تجمع کارگران را از هم بپاشد که کارگران زیربار وعده و وعیده‌ای او نمی‌روند. سرپرست سپاه پاسداران می‌گوید: "ما به پرونده نماینده‌تان رسیدگی می‌شود. اگر بی‌گناه تشخیص داده شد یکی از کارگران در جواب می‌گوید: "ما با این جواب وعده‌ها فریب نمی‌خوریم. شما همانهایی هستید که رهبران شوراهای ترکمن‌صحرای را در زندان اوین ترور کردید چگونه می‌توانیم به هیئت مدیره منصب وزارت صنایع و معادن اختار می‌کنند که مادامی که نماینده شورایشان آزاد نشود، هیئت مدیره حق خروج از ساختمان را ندارد. کارگران به اتفاق گروگان‌هایشان (سه نفر را اعضای هیئت مدیره) آتشب در ساعت ۳ بعد از نیمه شب را در ساختمان از طرف افراد کمیته در ساعت ۱۲ شب هجدهم محاصره می‌شود. در این فروردین ماه سپه پست سپاه

به دنبال بازداشت نماینده شورای صنایع آنام به وسیله کمیته منطقه در روز شانزده فروردین کارگران آنام به وزارت صنایع و معادن مراجعت کرده و خواستار آزادی نماینده شان می‌شوند. مسئولان امر در پاسخ به این خواست کارگران می‌گویند که: "نماینده شما اخلاق‌گراست، هیئت مدیره گروه آنام از او شکایت کرده و باید در دادگاه محاکمه شود" کارگران پس از صحبت با یکدیگر به این نتیجه می‌رسند. که این نحوه برخوردن شان طرح یک توطئه علیه شورای کارخانه است پس از آنکه متوجه می‌شوند که نماینده شان در زندان اوین است، از میان خود ۵ نفر را انتخاب می‌کنند که آنها پس از مراجعت به زندان تقاضای سیدگی به پرونده نماینده کارگران را می‌کنند ولی

استقلال - کار - مسکن - آزادی

فاههای از کارگران و کارمندان باشگاه عبده

مشورت نمودید؟ پاپدکفت شورای کارگری که حامی زحمتکشان و بالاتخاب فرد فرد کارگران بوجود آمده بود با پاک برنامه از قبل تنظیم شده منحل می‌گردد و بعد از آن احکام اخراجی کارگران صادر می‌شود. در جمهوری عدل اسلامی بدون درنظر گرفتن هیچ ضابطه‌ای ۱۵ سال کار ۴۰ نفر را با دادن یک حکم "تشکر از خدمات چندساله" مرخص می‌کنید... ماکارگران زحمتکش این باشگاه فقط حق قانونی خود را در عوض ۱۵ سال کاری که برای این شرکت خصوصی انجام داده‌اند می‌خواهیم... مازروزنامه کارگری خواهیم مارا به این دهند و با چاپ این نامه گامی دیگر در راه احراق حق کارگران این مزووبوم بردارند.

۴۰ تن از کارگران و کارمندان باشگاه عبده، طی نامه مفصلی به نشریه کار، به "اخراج دسته جمعی شان" اشاره واعتراف نموده و خواهان "انعکاس این خبر به منظور احراق حق خود" شده‌اند. به واسطه طولانی بودن نامه مقسمتی از آنرا در اینجا درج می‌کنیم:

"... به دستور رئیس تربیت بدنی آقای شاه حسینی حکم اخراج ماصادر می‌گردد. به این عنوان که افراد دو شغلی باید در ادارات دولتی کارکند... باید از شما سوال کنیم زمانی که تصمیم گرفته‌د که این عمل غیر انسانی را انجام دهید با شورای کارگری باشگاه که از گذشته وضع ناراحت‌کننده زندگی فرد فرد کارگران باشگاه اطلاع کافی داشت

درگیری قهرمانانه به همراه هم‌مان خود به شهادت رسید. اینک که خلق کرد در مبارزه به خاطر کسب خود - مختاری شورائی هر روز به پیروزی‌های تازه‌ای دست می‌یابد، بی‌تردید گرامی - داشت. خاطره این شهدا و پیغمبریان در راه آرمان زحمتکشان و نیز مطالعه اشتباها استراتژیک - تاکتیکی، به ارتقاء مبارزات درخشان خلق کرد پس از این شرایط همچنانکه سرکوبگران شریف‌زاده در مقابل اراده خلق شکست خوردند و از پای درآمدند، مقاومت حماسه آفرین خلق کرد در کشتاری که هم اکنون فرمادهان ازش در کردستان به راه اندخته‌اند، به پیروزی‌های بازهم درخشان تری دست خواهد یافت.

قهرمانانه در صحنه نبرد با دشمنان خلق به شهادت رسید. "سلیمان معینی" به دست عوامل ملامطفی مزدور و به علت اینکه حاضر به سارش با او نشده بود، اعدام شد. ملامطفی جسد او را به رژیم شاه تحويل داد تا در شهرهای کردستان بگرداند و به اصطلاح به مردم درس عبرت بدهد لیکن خلق قهرمان کرد در آن شرایط تنفس شدید خود را نسبت به ملامطفی با آویزان کردن نام ملامطفی به گردن سکها ابراز کرد و با تجلیل شکوهمند از پیغمبر به خون خفته فرزند قهرمان خود، این عمل خائنانه "بارزانی" را به درس عبرتی برای او و رژیم شاه تبدیل کرد.

"ملآواره" دهقان انقلابی و شاعر توده‌ای خلق کرد نیز که با گروه شریف‌زاده می‌ینه، تعاس داشت، در یک

خطوه فرزندان انقلابی خلق کرد شريف‌زاده "معيني" "ملآواره" گرامی باد

دولت وزمینداران بزرگ با هیچ بهای

نمی‌توانند سوراهای واقعی دهقانان ترکمن صحرا را منحل کنند!

ملوک و مرتضیان شوراهای اتحادیه‌های دهقانی ترکمن صحرا مشت محکمی است بردهان اینچه برون نیز مردم در برابر فشار و اجرای جهاد سازندگی برای انتخاب دوباره اعضای شورا مقاومت می‌کنند و همان اعضای قبلی را مجدد انتخاب می‌نمایند. حمایت متحد و یکپارچه خلق ترکمن، از ثغرات مبارزه انقلابی خود، یعنی شوراهای اتحادیه‌های دهقانی و رهبری "ستاد مرکزی شوراهای سبب شده است که سرکوبگران خلق ترکمن، زمینداران بزرگ، سرمایه‌داران و حامیان آنها در دولت و شورای انقلاب، در در عوام‌گری جدید خود یعنی تشکیل به اصطلاح شوراهای اسلامی نیز مفتضحانه شکست بخورند.

شکوفایی روزافزون شوراهای اتحادیه‌های دهقانی در ترکمن صحرا مشت محکمی است بردهان همه آنها که می‌خواهند با کشتار و عوام‌گری جلوی رشد آکاهی و تشكیل و مبارزه خلق ترکمن برای صلح و زمین و آزادی را سد کنند.

پاسداران و جهاد سازندگی با مقاومت متحد و یکپارچه روستائیان و حمایت انقلابی آنان از اعضای شورای واقعی خود روپرور می‌شوند و حتی این موقعيت موقتی را نیز به دست نیاورده‌اند. زحمتکشان ترکمن در اکثریت قریب به اتفاق روستاهای پاسداران و چپاولگران را بر عهده گرفته‌اند، در ابتدا آنها از اعضای شورای اسلامی توانستند عوامل مزدور و سرسپرده زمینداران را بعنوان عضو شورا به مردم تحمیل کنند و در این راه بی‌شروعی را به حدی رساندند که در برخی از روستاهای بزرگ، تعلیف و رای مستقیم مردم، مزدورانی را وارد شورا کردند که اصلاً در روستا حضور نداشتند.

لیکن زحمتکشان ترکمن که این به اصطلاح اعضای "شورا" را به خوبی می‌شناسند، با مبارزه و مقاومت خود در عمل آنها را مجبور می‌کنند تا بنفع اعضای شوراهای سابق از کار کناره‌گیری کنند. از جمله در روستای "ینلاق" شورای اسلامی که از غیر ترکمن‌ها تشکیل شده بود، چون مردم حمایت مردم روسیه نبود، منحل گردید. لیکن در اکثر روستاهای سپاه

پس از کشتار اخیر زحمتکشان ترکمن صحرا و فرزندان انقلابی آنها اکنون جهاد سازندگی، زاندارمری و پاسداران به روستاهای هجوم آورده‌اند تا شوراهای دهقانی را که از دل مردم جوشیده است و نشانه وحدت و تشكیل آنهاست نابود کنند و زمین‌هایی را که در اختیار شوراهای دهقانی است به نفع زمینداران بزرگ پس بگیرند. رئیس جمهور و شورای انقلاب که برای مبارزه قاطع زحمتکشان نمی‌توانند وجود شوراهای را در منطقه نادیده بگیرند، دست به حیله جدیدی زده و بعنوان باصطلاح "شوراهای اسلامی" وارد کردن عوامل مزدور و سرسپرده خود به شوراهای خالی کردن آنها از محتوای انقلابی است. جالب است که مأموریت اجرای این امر به سپاه پاسداران، جهاد سازندگی مامورین را تحت عنوان "شورای فرقا" می‌دانند. شوراهای زاندارم و اتحادیه‌های واقعی زحمتکشان ترکمن، شوراهای فرقا می‌تشکیل دهند. در این رابطه بسیاری از اعضای شوراهای دهقانی منطقه را به شوه ساواک دستگیر و

دھقان آمل خطاب به دولت مبنی داده شد:

۶۹ "حروف بس است، عمل کنید"

می داند که مثل مازندگی کرده باشد. هر هشتی که می خواهد مسائل را حل کند باید از میان ما و توسط خود ما انتخاب شود و گرنه به درد نمی خورد و جز جنگ و دعوا چیز دیگری نسبت نمی کند.

نه وزیر کشاورزی، نه معاون و مشاور او، نه دادگاه انقلاب و نه هیچ یک از مقامات دیگر به خواستهای نمایندگان هزاران روزانه جوابی ندادند. کشاورزان با خشم و نفرت ساختمند وزارت کشاورزی را ترک کردند و به حاصلیان گفتند: "به وزیر کشاورزی بگویید که خودشان خواستند آمل را گبند دیگری بسازند."

نمایندگان تصمیم گرفته بودند به آمل برگردند و با نیروی بیش از دوهزار دهقان و بدون توجه به وعده و عدهای دولت، مسائلشان را حل کنند. این تجربهای بود که پس از ماهها دوندگی به دست آورده بودند.

در آمل همه مسائلی که در تهران گذشته بود با روستاییان در میان گذاشته شد. همه تصمیم گرفتند که بدون آنکه کاری به قانون مقامات اداری داشته باشند خودشان زمینها را مصادره کنند. اینکار را کردند. زمین‌ها به وسیله دهقانان اشتراکی زمین جریان دارد.

روستاییان بی‌زمین و کم زمین منطقه "اوچاک"، "تشنبدان" با اتکا به نیروی خود و با مصادره انقلابی زمینها موفق شدند ۱۵۰۰ خانوار را از بلاکلیفی نجات دهند. عمل به آنها نشان داد که می‌باشد حقرا با

اداره‌ها می‌کشند و چون نمی‌خواهند به مسائل دهقانی توسط خود دهقانان و در محل جل شود، از یک اطاق به اطاق دیگر، از پک شهر به شهر دیگر خواهشان می‌آید. آنها در دولت، در برابر خواست زحمتکشان می‌ایستند با مبارزه پیگیر و آشتبانی فقط یک جواب داشتند: خود همه این موانع را از سر درد ما را کسی راه بردارند.

نمایندگان صحن مراجعت به وزارت کشاورزی در تهران، از توکلی مشاور وزیر جواب گرفتند که:

"از همان راهی که آمده‌اید، برگردید. من در جریان زمین‌های آمل هست". لیکن این حرف نرفتند و خواستار ملاقات با وزیر و معاون او شدند. سرانجام در روز ۱۸ فروردین نمایندگان موفق شدند که با رضا اصفهانی راجع به خواستهایشان صحبت کنند. اصفهانی از اینکه در طرح پیشنهادی او دست بوده‌اند و او نتوانسته است به وعده‌هایش عمل کند اظهار شرم‌گی می‌کرد. او می‌گفت که سرمایه‌داران دستش را بسته‌اند و ... و از این قبیل حرف‌ها. یکی از نمایندگان به او جواب داد:

"شما که می‌گویید سرمایه‌داران دستان را بسته‌اند، و دولت طرح شما را دستکاری کرده و نمی‌گذارد اجرا شود، خوب بیانید در روزنامه‌ها به همه مردم این را اعلام کنید که ما تکلیف خود را بدانیم و به وعده‌های شما دلخوش نباشیم".

کشاورزان که از اینجا هم جواب درست و حسابی نگرفته‌اند به سراغ خود وزیر کشاورزی - شیبانی - رفتند. وزیر هم از صحبت با نمایندگان شانه خالی کرد و آنها را به "حاصلیان" مشاور خود، حواله کرد. کشاورزان در تمام این مدت می‌دیدند که این آقایان پشت میز نشین که اینهمه دم از به راه اندختن تولید می‌زنند و بعداز جر و بحث فراوان با دادستان، کشاورزان که کم کاری متهم می‌کنند، چطور نمایندگان هزاران دهقان را سرمی دوانند، آنها را از سر کشت و کارشان به شهرها و اداره‌ها می‌کشند و چون نمی‌خواهند به مسائل دهقانی عمل کرد و هرجا که سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و حامیان آنها در دولت، در برابر خواست زحمتکشان می‌ایستند با مبارزه پیگیر و آشتبانی فقط یک جواب داشتند: خود همه این موانع را از سر درد ما را کسی راه بردارند.

"رضوانی" دادستان آمل خواستند که با آنها به مذاکره بپردازد. "رضوانی" در ابتداء سعی می‌کرد از برخورد رودررو با کشاورزان فرار کند و با یک مشت و عده و عهد آنها را پراکنده سازد. لیکن با هوشیاری و پیگیری کشاورزان تیرش به سنگ خورد و شروع به تفرقه‌اندازی در بین آنان کرد. او خطاب ۱۸ فروردین گفت:

"من حامی شما و دشمن

شریح کردد و لزوم عمل مستقیم خود کشاورزان را پادآور شدند. می‌کی از نمایندگان می‌گفت: همه می‌دانید که از ماهها پیش چه بطور فردی، چه چند آنها را فرامانداری، دادگاه انقلاب، شورای پنج‌نفره مراجعه کردند و آمرزش به خوبی می‌فهمید که این درستگاهها حامی چه کسانی هستند. صدای ما به گوش کسی نمی‌رسد و اگر هم برسد

منطقه "اوچاک" و "شنبدان" آمل اخیراً شاهد موج جدیدی از مبارزه انقلابی کشاورزان برای مصادره زمین‌های زمین‌داران بزرگ و سرمایه‌داران و پیروزی چشم‌گیر دهقانان بود، "اوچاک" و "شنبدان" اراضی ای به وسعت دو هزار هکتار را در بر می‌گیرد که در جریان اصلاحات ارضی ضد مردمی شاه در اختیار جواد سعید (نماینده مازنداران در مجلس رستاخیزی) و فردی به نام "توکلی" قرار گرفت.

پس از قیام و اعدام جواد سعید، هزار و پانصد خانوار ساکن این منطقه برای روش شدن تکلیف زمین‌ها بارها و بارها به مقامات و سازمانهای دولتی مراجعه کردند اما هریار با وعده سرخرم می‌باشد بازدباری و فزیبودر و غوکش آنها روپروردند. زحمتکشان این منطقه که تصور می‌کردند اولین نتیجه مبارزاتشان علیه رژیم ضد خلقی بهلوی کوتاه شدن دست سرمایه‌داران زمین‌داران بزرگ زمین‌هایشان است و امید داشتند که رژیم جمهوری اسلامی به مشکلاتشان پاسخ گوید اما رژیم جمهوری اسلامی در عمل نشان داد که از برآوردن خواستهای آمل دهقانان و زمین‌داران اینها می‌باشد که خودشان دست به کار شدند.

برای خود پایستیم و حق خود را بگیریم". پس از خدمتکشان زمین‌داران و زمین‌داران فرزندان اما فرزندان زمین‌داران می‌رسد. بایدروی در میان شما نفوذ کرده، برعلیه من تبلیغات می‌کنند. "کشاورزان با شور مبارزاتی پس از خدمتکشان نماینده خود را تائید می‌کرند و در حالی که شعار می‌دانند: "حروف بس دندان شکن به رضوانی است عمل کنید"، "مرگ بر امریکا - مرگ بر فئوکال - مرگ بر سرمایه‌دار" و "شوراهای دهقانی، سنگر

دهقان فریاد می‌زندند: "ماههایست به فرامانداری، به دادگاهان انقلاب، شورای پنج‌نفره و هر کجا دیگر مراجعه کردند و اما امروز می‌فهمیم که هیچکس به صدای ما کوش نمی‌دهد. آنها حامیان سرمایه‌داران و زمین‌داران هستند. پس باید روی پای خود پایستیم و حق خود را بگیریم".

کشاورزان بی‌زمین و کم زمین را سرمایه‌دار می‌دانند. بیش از این هم انتظاری نداشتم. بعداز جر و بحث فراوان با دادستان، کشاورزان که عوام‌گری‌های او را خنثی می‌کرند و می‌گفتند: "ما خواهان تقسیم اراضی زمین‌داران بزرگ بین دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین هستیم و می‌خواهیم که کلیه بدھی‌های دهقانان و دیگر زحمتکشان به بانکها و شرکت‌های تعاونی لغو شود" و ... داشتند که در مذاکرات کشاورزان می‌باشد. روز شانزدهم فروردین ماه حدود ۲۵۰ الی ۳۰۰ نفر از کشاورزان به شهر آمدند و در محل فرامانداری اجتماعی کردند. در جریان این کردھمی نمایندگان دهقانان کارشکنی‌های مقامات مسئول و حمایت آنها از سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ را برای روستاییان

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

بهران در صنعت نفت

وسایل یدکی تاسیسات نفتی ثروت‌های هنگفتی را به جیب صاحبان سهام خود سازیز نموده است و دولتهای امپریالیستی با کارشناسی‌های خود موانعی شماری در امر ارسال وسایل یدکی فراهم نموده‌اند و بدین طریق دلالان بین -

- العلی از طریق ارسال وسایل یدکی با افزایش نزدیک به ۵۵٪ سودهای هنگفتی به جیب می‌زنند حال بخش عمده‌ای از افزایش بهای نفت صادراتی، صرف خرد و سامان یدکی و کالاهای صنعتی مورد نیاز می‌گردد. برای مثال در مقابل افزایش یک کالای مورد نیاز برای پالایشکاه که بهاء آن از ۵۰۰۰ دلار تا ۳۶۰۰۰ دلار است (عبابر) افزایش یافته، بهای نفت صادراتی ما در همین مدت از ۳ برابر بیشتر نشده است.

۳- پرشدن مخازن پالایشکاهها از نفت کوره که مصرف چندانی در شرایط کنونی ندارد، امر ذخیره‌سازی و تولید پالایشکاهها با ظرفیت کامل را با مشکلات اساسی مواجه نموده است. از ۵۵۳/۱۱/۸۹۴ میلیون بشکه مواد نفتی ذخیره پالایشکاه آبادان در پایان اولین ماه زمستان مقدار ۷/۰۳۸/۹۸۵ در گذشته که صدور روزانه نفت خام قریب ۵/۵ میلیون بشکه بود، علاوه بر کشتهای نفتکش، کشتهای فراوانی جهت تخلیه بار به بنادر جنوب می‌آمدند که مقدار زیادی از نفت کوره جهت سوخت کشتهای اکنون که صادرات نفت کاهش یافته و تمام پیش بینی بود. در حالیکه در ۱۴ ماه گذشته هیچگونه برنامه‌ای جهت فروش و یا به مصرف رسانیدن آن صورت نگرفته است. نفت کوره انبار شده در مخازن پالایشکاه تهران با صرف هزینه‌های زیادی به وسیله تریلرهای نفتکش به مخازن جنوب ارسال می‌گردد تا مخازن خالی برای ادامه پالایش مواد نفتی وجود داشته باشد.

این عامل سبب شده است که بعضی از دستگاههای پالایشکاه نتوانند با ظرفیت کامل خود کار کنند. ۴- عدم انجام به موقع تعمیرات و سرویس لازم روی دستگاههای تولیدی و خطوط لوله و نبود یک طرح و برنامه‌ای مشخص در مورد تعمیرات دستگاهها، موجب کاهش بازدهی و فرسودگی و در نتیجه از کارافتادن دستگاهها می‌شود.

۵- عدم استفاده از مواد زنگزدایی در دستگاهها و خطوط لوله، سبب ترکیدن و سوراخ شدن آنها می‌شود. هم‌چنین انفجارات متعدد در خطوط لوله، در سطح تولید و میزان توزیع تاثیر می‌گذارد.

۶- ضعف اساسی در سیستم سوخت رسانی شهری و وجود واسطه‌ها و پیمانکاران که سبب ایجاد بازارسیاه می‌گردد، عدم هماهنگی بین واحدهای تولیدی و توزیعی مواد نفتی، عدم استفاده کامل از تاسیسات عظیم صنعت نفت و سیاست ضدشورائی مدیران که در مقابل کارگران و کارمندان مبارز صنعت نفت ایستاده‌اند، کارائی را به شدت پائین آورده است. عدم استفاده صحیح از نیروی انسانی موجود در صنعت نفت را برعهده دارد، از طریق افزایش سراسام آور

سرمایه در رابطه با تاسیسات کاز کشور به حال نیمه تعطیل در آمده است. علل و عواملی که هزینه‌های تولید مواد نفتی را به سرعت افزایش داده و تولید نفت را با اشکالات اساسی رو برو کرده است به قرار زیر است:

۱- چاههای نفت هرچند یکبار نیاز به ترمیم کار توسط دکلهای حفاری مخصوص تعمیر چاه صورت می‌یابد، که هم بازده چاه را از لحاظ مقدار بشکه در روز بالا برده و هم ناخالصی‌های نفت از قبل نمک و آب و دیگر املاح را کاهش می‌دهد. تعدادی از ایسن دستگاههای حفاری در زمان حکومت بازرگان و با تصویب شورای انقلاب و استاندار وقت خوزستان تیمسار مدنی و مدیریت شرکت نفت از ایران خارج گشت و در اختیار شرکت‌های غارتگر امپریالیستی و سپرین وستافه قرار گرفت. و از دکلهای حفاری باقیمانده نیز بخوبی استفاده نمی‌شود. در گذشته، ۵۳ دکل

وجود صفاتی طویل نفت انکاس بحران در صنعت نفت بود. خرید نفت سفید از شرکت بربیتیش پترولیوم و وارد کردن آن از کویت، بروای کشوری که خود از تولیدکنندگان نفت در جهان است، حکایت از بحران عمیقی در صنعت نفت و اشکالات اساسی در قسمت پالایش نفت می‌کند.

وزیر نفت که دائماً وضع نفت را عادی توصیف می‌نماید، نمی‌تواند وجود این بحران را مخفی نگهدازد. گرچه فصل سرما تمام شده است و صرف نفت کاهش یافته، ولی اوضاع آشفته صنعت نفت پایان نپذیرفته و روز بروز حادثه نیز می‌گردد. چون حیات اقتصادی جامعه بروایه نفت استوار است.

بحران در صنعت نفت عوارض عمیقی به همراه خواهد داشت و بر کل جامعه اثرات مخربی بر جای خواهد گذاشت. جدول زیر که مربوط به بهمن ماه ۱۳۵۸ است می‌تواند به عنوان نمونه، این حقیقت را در مورد پالایشکاه آبادان، یعنی بزرگترین مجموعه تولید مواد نفتی نشان دهد.

نام فرآورده	مصرف داخلی در بهمن ۵۸ (بشکه)	مصرف روزانه در بهمن ۵۸ (بشکه)	موجودی مخازن در بهمن ۵۸ (بشکه)	تعداد روزهایی که ذخیره داریم
کازماجع	۲۱۰۱۷۹	۷/۰۰۳	۱/۱۱	کمتر از یک روز
بنزین موتور	۱۰۸۲/۸۱۱	۳۶۲۶۰	۱/۰۱۹/۵۸۵	۳۰ روز
نفت سفید	۲/۵۴۲/۶۲۸	۸۴/۲۵۴	۶۱۹/۷۴۳	هفت روز
نفت کاز (کازوئیل)	۲/۶۷۱/۱۹۷	۸۹۰۴۰	۶۵۹۸۰۴	هفت روز
روغن موتور	۷۲/۲۲۲	۲/۴۰۸	۲۹/۳۸۶	۱۴ روز

حکایت با استخراج و تعمیر چاهها مشغول به کار بود و اکنون تنها ۱۲ دکل حفاری و آن‌هم با اشکالات و کارشناسی‌های متعدد عناصر وابسته به امپریالیسم در صنعت نفت مشغول به کار هستند و از همین رهگذر است که دولت فاشیستی عراق با احداث چاهها مورب به تعداد زیاد، بر روی نوار مرزی به خاک ایران تجاوز می‌کند و ذخایر نفتی ما را به تاراج می‌برد.

اکنون نفت استخراج شده از چاهها به علت عدم تعمیر به موقع با موقعی ۴۰ الی ۵۵ درصد ناخالصی و مواد زائد همراه است. این ناخالصی‌ها بر عمر دستگاههای بهره‌برداری و خطوط لوله و کلیه کارخانجات تولیدی مادر صنعت نفت تاثیر مخرب می‌گذارد.

۲- خرید وسایل یدکی از شرکت‌های امپریالیستی که در بحرین - قطر - دوبی و کویت فعالیت دارند با ۲۰ الی ۳۰ درصد کرانتر از قیمت‌های بین‌المللی، خود سبب افزایش هزینه‌های تولید مواد نفتی گشتماست. علاوه بر آن شرکت امپریالیستی آیروس " که مقراً در لندن است، طبق قراردادی استعاری وظیفه تهیه و تدارکات کالا برای صنعت نفت را بر عهده دارد، از طریق افزایش سراسام آور

واردات نفت سفید و کازوئیل بی‌تأثیر در ارقام جدول فوق نبوده و اگر آن مقدار نفت سفید واژن‌انی را با مجموعه تولید و مصرف در جهان کشور و سایر پالایشکاهها در نظر بگیریم ارقام ذخیره از این هم پائین‌تر خواهد بود. زاین که تمامی نفت خود را از خارج وارد می‌کند، ذخیره‌های معادل ۳ ماه برای مصرف داخلی خود دارد. در صورتی که بعضی از مشتقات نفتی که برای مصرف کننده بسیار ضروری است در مخازن و انبارهای ما برای مصرف یک روز در زمستان هم کفایت نمی‌کرد. علاوه بر کمبود مواد نفتی، هزینه‌های تولید مواد نفتی به شکل سوسام اور بالا رفته است. مثلاً هزینه‌های تولید کاز آنچنان بالا رفته است که ما که یکی از بزرگترین ذخایر کاز جهان را در اختیار داریم آنچنانکه بنی‌صدر هم گفته است " دولت برای تأمین مصرف کاز در داخل کشور مبالغ هنگفتی بعنوان کمک هزینه و کمک خرج می‌پردازد ". و همین افزایش هزینه‌های تولیدی نفت سبب گردیده است علیرغم افزایش قیمت کاز صادراتی به میزان ۳ برابر گذشته، نتوانیم کاز خود را با قیمت مناسب بفروش برسانیم و منابع عظیم کاز در بیانهای جنوب می‌سوزد، و هر روز میلیون‌ها دلار به مردم می‌پردازد وارد می‌شود. تا آنجا که میلیاردها

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشناز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

پیامون شعار اساسی

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امریکا

تحدد شویم

را نه تنها به نسبت نیرو، به نسبت سرمایه بین خود تقسیم می‌کنند. (النن) - امپریالیسم به منابع غالترین مرحله سرمایه‌داری) باید بهزیرم که تفاوتهای درون اردوگاه امپریالیسم نه تنها ازین ترتیب بلکه با تغییر در تعادل نیروهای امپریالیستی، با تغییر در تناسب سرمایه‌های مالی بین اعلانی تقسیم حقیقی جهان لزوماً آدمه خواهد یافت. باید اضافه کنیم که این مسئلہ به هیچ وجه دال برآن نیست که رشد این تفاوتها لزوماً با صورت تغییر در مزهای جغرافیائی و تجدید تقسیم جغرافیائی و "الحاق ارضی" تحقق یابد. بازتاب رشد تفاوتهای درون سیستم جهانی امپریالیستی را عمدتاً در مرصد "مزار کرد و مزد عومنی انقلاب و پداناً انقلاب راچه در عرصه ملی و چه در عرصه جهانی مشخص سازد و سمت مبارزه نیروهای ترقیخواه را توضیح دهد.

امپریالیسم زاین را دوست مردم ما جا می‌زنند، قویاً محکوم می‌کنیم.

ما در این قاله مبانی اصولی و بینشی را که پشت این بند از آن قطعنامه به ویژه در پس شمار "مرگ بر امپریالیست

با همینروهای متفرقی را به وحدت و تشکل زیر شمار

جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا" نهفته است می‌شکایم.

دانشناختی دهنده چونکه این شمار و تنها این شمار است که می‌خواهد تحت عنوان مبارزه با "ابرقدرت‌ها" سیاستهای امپریالیستی را از سوی امپریالیسم امریکا به این سو و آن سو برگردانند قویاً محکوم می‌کنیم.

ما تلاش کنیم را که دولت‌های امپریالیستی رویا و

تجددات و تجاوزات ارضی کرده متفقی نیست اما تکوین‌سین پدیدهای عینی حرس و آر امپریالیستی در این زمینه را به

مجرای دیگری منتقل کرده است. دیدگاه‌های بورژواشی می‌گویند خصلت تجاوز کارانه امپریالیستی را عموماً در قالب اعلان طلبی آن غلامه کنند. امام‌آرگیست - لینینستها بی‌آنکه خواسته باشند برای خصلت امپریالیسم بود ساتر انگشت دهه هواواره تقسیم و تجدید تقسیم بازار و نیروی کار در سیستم جهانی امپریالیستی بین انحصارات مالی بین اعلانی تاکید خواهد داشت.

بهرحال انحصارات جهانی که از بازترین ظاهر بین - اعلانی شدن سرمایه‌هستند، سیستم جهانی سرمایه‌داری را در اختیار خود راوردند و از طبقی دولتهای سرمایه‌داری کوشی به فرمان خود از گستاخ شدن حلقه‌ای از زنجیران جهان از الفا مالکت خصوصی بر وسائل تولید، از القاء نسایت سرمایه‌داری به نیروی قدر و سرکوب جلوگیری می‌کنند. در اسن اتحادیه‌های امپریالیستی که هم انتقام‌داری است و هم سایی سرکردۀ تمام استخوار کنندگان، سرکوبکاران و سلطه‌گران، امپریالیسم امریکاست. امتناد به هرگونه جدایی ماهیت بین کشورهای امپریالیستی و هر نوع تقسیم جهان براساس مزهای سیاسی و هر نوع عدم تاکید بر خصلت بین اعلانی سرمایه در جهان حاصل، مشخصاً و بطور بارز شاهدی است برگزینش تقسیمات "ججازی" به‌جای تقسیمات "حقیقی و مطلق" تقسیم حقیقی تقسیم است که سرمایه مالی انجام داده است. سرمایه‌های که در عالمی تنفس نمایند و هم نیروی کار در هسته نورده‌ده و بین اعلانی شده است. مزهای ظاهری هستند و مزهای واقعی مزدی است که سرمایه مالی پدید آورد است.

در عین حال تضاد بین دولت‌های امپریالیستی در دفع از منافع انحصاراتی که آن دولت‌ها را به وجود آوردماند، نهاده به فراموشی سرده شود. هرگز تنضادهای عینی بین مکانی کانون عده سرمایه‌داری حاصل؛ آیلات متعدد امپریالیست‌ها و بازار مشرک اروپا عمل می‌کند اما در اینجاهم، بعضی در این بلوك بندی‌های سیاسی، باز هم منابع بخشش‌های عینی از انحصارات مالی بین اعلانی است که سرچشمه اصلی تضادهای تعبین کننده است. نه آنچه که اصطلاحاً منافع می‌شده است.

برخلاف این نظر که مدعی است "تضاد بین دولت‌های سرمایه‌داری شدت می‌باید..."، حکومت‌های این کشورها بزرگ خفظ منافع انحصارات ملی خود بیوشه موارف گرفتی را سالاً می‌برند و ورود کالاهای خارجی را محدود می‌کنند. (تاریخ [جندید] حزب کمونیست اتحاد شوروی - صفحه ۲۱۷) ظاهراً بارها نشان نداده که بالا بردن موارف گرفتی درجه‌انداز معموق قبیل از آنکه حفظ منافع انحصارات ملی؛ "را درینظر، داشته باشد، منافع بلوک‌بندی‌های بین اعلانی اقتصادی را در

درین سدهای گرفتی که بروی می‌شوند معمواً موافق روزگاری از سرمایه‌های بین اعلانی می‌توان یافت. هرچند که ممکن است در موارد و مفاطعه خاصی که مقابل سرمایه مالی باشد، تضییع ناموزونی دوستی دولت‌های سرمایه‌داری بین اعلانی از فلسفه می‌کند، این حکومت‌ها به مقابله با سرمایه بین اعلانی اتفاق داده است.

برخلاف این نظر که سرمایه مالی مشخصاً جهان گسترش و بین اعلانی ایست، سرمایه مالی بین اعلانی با اعمال سلطه خود به از طبقی اقتصادی و چه از طبقی غیر اقتصادی (مثلاً نظامی) حلقه‌ای از انتظامی روزگار ایستار رنجیران عینی مالکت خصوصی بر وسائل تولید را در سراسر جهان در چنگ خود گرفته و حافظ آن شده است. در برابر این سنگمیر ابعاد جهانی، سکراوه و گیشه امپریالیسم، سلق‌های زیر سلطه جهان و طبقه کاپیتل کنترل مالی از انتظامی امریکاست که دست درست هم با اسلوبهایی

موفق شدز با کام‌های غول‌آسا رقبای خود را پشت سر نهند و از طبقی سرمایه‌گذاری‌های عظیم جهانی از جمله در اروپا و زاین انحصار تولید و فروش رادرهمترین برخش‌ها مثل انزوی و تسیخات بودست آورند. بعداز جنگ اسلامی داده این اعلانی خواسته باشند بروزگاری بروزگاری کوشی از اینکه می‌باشد. در عصر مبارزاتی که در عرصه این پیکار جهانی ظاهر می‌شود، لاجرم و در بعد تاریخی آن در کنار کی از این دو اردوی جهانی قرار می‌گیرد.

بارزهای که اینکون سراسر کمی را در خود کشیده است،

می‌باشد. هر جنوب آفریقا نا شمال اروپا، از غرب امریکا تا شرق آسیا را فرا گرفته است، درنهایت امر همه و همه در دو اردوی جهانی کی بالند و دیگری میزند جای خواهد گرفت.

در جهان معاصر در این برهه مارچیج تکامل تاریخی جوامع بشری، آنچه که این دو اردوی متساهم را در برآور هم، قرار داده است، آنچه که جوهر اصلی این تنازع جهانی است همان تنازعی است میان دو نیروی تاریخی، میان بولتاریا و

جهانی که نهیزد که جنبش جهانی کارگری و گمنیستی نیروی عده و تکیه‌گاه اصلی انقلابی است و یا به این امر کم به دهد و آن را ناچیز شمارد، در واقع هنوز در آن حد رشد یافته نیست که بتواند پک، جمع بندی واقع بینانه از انقلاب و ضادانقلاب در عرصه جهانی و از سمت گیری تاریخی دنیای معاصر از این دهد. این تفکر قطعاً نمی‌تواند به صفت مستقل طبقه گارگر اعتقاد داشته باشد. این تفکر به سیج بلاواسطه خلق می‌اندیشد. بینش رفیق مسعود سرشار از این پدیده است.

جهانی امپریالیستی تشبیه گرد. واقعیت این است که اینکون بطور کامل "کشورهای صادر کننده سرمایه، جهان را به معنای مجازی کلمه بطور صوری بین خود تقسیم کردند. حالی که سرمایه مالی جهان را به معنای حقیقی به گونه‌ای بالغ تقسیم کرده است." (النن - جلد ۲ - صفحه ۲۴۵)

سلطه سرمایه‌ومالکت خصوصی بر سلطه سرمایه و تاریخی آن محو پرولتاری است. عصر کنونی، عصر گذار به سوسالیسم و اندلبهای جهان معاصر رستاخیزی است علیه سلطه سرمایه، سرمایه‌ای که خصلت اندھماری‌ی خودگرفت و علیه سلطه جهان کشتبای است.

رستاخیز جهان معاصر، رستاخیزی است علیه سلطه امپریالیسم جهانی به منظور نابودی سیستم جهانی امپریالیستی و استقرار و کمترش و تحکیم نظام سوسالیستی. کدام‌میان ملاک عینی، مادی و دیالکتیکی است که در عرصه توکارهای طبقاتی سمت گیری ترقیخواهانه را از سمت گیری و ایسکارهای تاریخی می‌سازد؟

آنچه به منابع یک ملاک عینی در شناخت هویت مترقبی باز ارتجامی این یا آن چیز را در جهان تاریخی می‌نمایند، هماناً می‌شود که می‌توان آن روند عینی می‌نمایند. کامل جهان، یعنی روند شده و بنای آزادی انسان معاصر در سراسر جهان بی‌افکنه می‌شود. سمت گیری متعمن آن جهان نیست سمت به امپریالیستی جهانی و سوسالیسم.

هرچند که به مقابله با سلطه سرمایه جهانی برخیزد، هر نیرویی که در برآور این سلطه‌گری صفت آرایی کند، در عرصه پیکاری که سراسر جهان را پوشاند، در خدمت نیروهای ترقیخواه قرار می‌گیرد.

قانونیتدی تکامل ناموزون درون سیستم سرمایه‌داری و تشدید این خصلت در عرصه امپریالیسم موجب شده است که امپریالیستی جهانی نتواند سلطه خود را همچون پدیده ای مکثت و موزون بکتراند. رشد تضادهای درون سیستم سرمایه‌داری جهانی، تقسیم و اقتصادی و غیر اقتصادی در عرصه انتظامی ای ایستی که همچون دومین جهانی بین اعلانی می‌گیرد. این بود، امپریالیسم لعنت را تا چنان باید رشد نماید. ده اندھمار امریکا



روز معلم، تهداد دکتر ابوالحسن خانعلی را گرامی بداریم

معلمین در پیوند با میلیونها دانش آموز

آگاهی را به میان خانواده زحمتکشان می بند و پیوندهای استواری با مردم پوچار می کنند

فریب ده میلیون دانش آموز
دبستانی و دبیرستانی را
بر عهده دارند. آنان باید در
کردار سرشق زندگی از
کسانی باشند که دانش و
مهارت های خود را در خدمت
ارتفاع آگاهی توده ها و باری
به آنان در غله بر فقر،
گرسنگی، بیکاری و بی خانمانی
قرار می دهند. آنها وظیفه
ستگ تعیق میازره علیه
امیریالیسم جهانی سرکردگی
امیریالیسم امریکا را در سطح
میلیونی بر عهده دارند.

معلمین پیشگام و انقلابی
به واسطه میلیونها دانش آموز،
 قادرند آگاهی را به میان
خانواده زحمتکشان برد و
پیوندهای استواری بین
انقلابیون و توده های مردم
برقرار کنند و در زدودن
توهاتی که در شناخت
دوستان و دشمنان خلق
اذهان توده های مردم ما را
فراگرفته است، نقش تاریخ ساز
بر عهده گیرند.

بدیهی است که انجام این
وظیفه بدون آگاهی و تشکل
تمامی معلمین پیشگام و
انقلابی در ارکان های خاص
خود از پکس و کوشش در
ایجاد نهادهای دمکراتیکی
که توده های علم را بر محور
مطلوبات سیاسی و صنفی شان
گرد آورد، از سوی ذیگر امکان
محدود نیست.

معلمین پیشگام و انقلابی
بیش از هر زمانی باید راه
نفوذ توده های و ایجاد
عالیترين پیوندها را با
نوده های میلیونی دانش آموز
فرآوریدند. آنان باید در کردار
اعتماد عمیق دانش آموزان و
بدران و مادران و برادران
زمحتکش آگاهی آنان کام های
استواری پیشگام برداشته اند
معلمین پیشگام و انقلابی،
علیرغم اشتباها که در
زمنه تشکل و سازماندهی
معلمون کشور به خدمت
ایجاد محیط دمکراتیک در
مدارس و مراکز آموزشی و
ارتقاء آگاهی و تشکل معلمون
و دانش آموزان به توفيق های
چشم کبری دست یافتنند.

ایران آزاد و دمکراتیک، توفیق
معلمین، نقشی حساس و با
اهمیت است. بکوشیم با
فرآوری از اشتباها گذشت
با ارتقاء آگاهی های خود و با
شناخت صحیح از ظایف و
چکونگی انجام آنان، کام های
استواری به پیش برداریم.
سازمان ما، با برخود
امیدها، روز علم را به همه
معلمین میهن و به ویژه
معلمین پیشگام و انقلابی
باشد از طریق شوراهای واقعی
خود در تعیین سیستم
آموزشی و شرایط حاکم بر
محیط کار "نظارت و شارکت"
داشته اند، بر عهده دارند.
معلمین پیشگام و انقلابی
وظیفه ستگ آموزش انقلابی

تشکل و اتحاد معلمین به
عمل آمد لیکن معلمون
انقلابی و آگاه کشور در تمام
دوران سیاه اختناق به مبارزه
ادامه دادند و چهره های
درخشان و قهرمانی از خود
به میادگار گذاشتند.
- معلمون انقلابی و مبارز،
همچون پیروزه هفغانی ها و
مرضیه اسکووی ها و مدها و
هزاران معلم دیگر نقش
بر جسته و بزرگی در مبارزه
ملیمیدیکتاوری شاه بعده داشتند
در این میان آموزگاران
انقلابی و پیشو از چون صد
سهرنگی در ارتقاء آگاهی
توده های میلیونی مردم نقش
تاریخ ساز داشتند و بدور
تردید نام آنان در زمرة
بزرگترین انقلابیون خلق، در
تاریخ مبارزات مردم ما
همیشه جاویدان خواهد ماند.
نقش معلمین در گسترش
مبارزات سالهای قبل از قیام
و در پیروزی قیام ۲۲ بهمن
۱۳۵۷ معلمین گشور در سراسر
ایران جزو عوامل سازمانده و
بسیج کننده مبارزاتی بودند
که به قیام شکوه مند خلق
انجامید.

معلمین پیشگام و انقلابی
از فردای قیام در ارتقاء سطح
آگاهی توده مردم و افشار
سیاست های سازشکاران،
مبارزات پیشگیری را آغاز
کردند. هزاران آموزگاری که
در روستاهای گشور به خدمت
اشتغال دارند، به متابه
حلقه های ارتباط مبارزات
زمحتکشان شهر و روستا در
گسترش جنبش انقلابی
خلقه های قهرمان میهن ما و
اتحاد کارگران و دهقانان و
ارتقاء آگاهی آنان کام های
استواری پیشگام برداشته اند
معلمین پیشگام و انقلابی،
علیرغم اشتباها که در
زمنه تشکل و سازماندهی
معلمون کشور داشتند، در
ایجاد محیط دمکراتیک در
مدارس و مراکز آموزشی و
ارتقاء آگاهی و تشکل معلمون
و دانش آموزان به توفیق های
چشم کبری دست یافته اند.

امروز تمامی معلمون
پیشگام و انقلابی معلمون
نشوار حفظ حقوق دمکراتیک
و آزادی های سیاسی در
مدارس و محیط های آموزشی
رو برو هستند. آنها در عین
حال وظیفه سازماندهی و
متشكل ساختن معلمین را
حوال شمار "علم و دانش آموز"
دور کن اساسی آموزشند و
باشد از طریق شوراهای واقعی
خود در تعیین سیستم
آموزشی و شرایط حاکم بر
محیط کار "نظارت و شارکت"
داشته اند، بر عهده دارند.
معلمین پیشگام و انقلابی

سراسر گشود که آنها تنها برای
رساند و از آن تاریخ به بعد،
همه کامپینه های رژیم شاه، این
قدرت بزرگ سیاسی را خطری
جدی برای خود می دانستند.
در رژیم شاه کوشش های
زیادی برای جلوگیری از

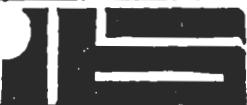
مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا... بقیه از صفحه ۱۱

موارد در جبهه بندی های نیروهای اجتماعی، از موضع خود -
بورزوایی محافظه کار و ارجاعی تنها مربی بندی ظاهر دارد. این
بینش در عمل همان بینش نه شرقی نه غربی را تبلیغ و ترویج می کند
هر چند که در گفتار بیشترین دشمنی را با آن از خود نشان
دهد. این بینش در افغانستان عمل همان موضعی را اتخاذ
می کند که خود بورزوایی محافظه کار اتخاذ کرده است. این
بینش در پیکار جهانی موجود عمل بیهوده اند آزاره بسته
امپریالیسم می سازد که با جهانی که بر ویرانهای آن بنامی شود
این بینش هم جهان را به شهار تقسیم می کند. دنیای اول
بعنوان امپریالیسم امریکا و متعدد بینش (غرب جنایتکار) و دنیای
دوم یعنی سوسایل امپریالیسم شوروی (شرق تجاوزگر) و دنیای
سوم دنیائی است که همچ از این دو نیست این بینش دنیایی؛
اول و دوم را نفع می کند و خواهان وحدت جهان سوم؛
وحدت مستضعفان در برابر سلطه ابرقدرتها می شود.

این بینش در کوران مبارزه طبقاتی حاد و طوقان زانی که
با شعار مرگ بر امپریالیسم امریکا، مرگ بر سوسایل امپریالیسم
شوری و هم در پوشش های مذهبی به صورت نه شرقی نه غربی
عمل می کنند. تنها پوشش های این دو بینش با یکدیگر تفاوت
می کند، چنانچه ملاک ها و میارهای تاریخی - جهانی بهمان
آید، روش می شود که جنگ بین این دو، جنگ حیدری نعمتی
است و مضمون تاریخی - طبقاتی مجرزا ندارد، هردو آنها جدای
از قضاوتی که در باره خود دارند، پرچم واپسینگ
خرده بورزوایی را برداش می کشند.. هردو آنها در زیاده تاریخ
جهانی در رابطه با واقعیت های جهانی موجود به همان
اندازه به خطرب تونیسم بین العلل تاکید دارند که برخط
غرب جنایتکار".

این بینش پایه و اساس وحدت نیروهای خودی را شغاف
نه شرقی نه غربی فرار می دهد این بینش شعار مرگ بر
امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا را از آنها
پایه و اساس وحدت قرار نمی دهد زیرا که در مبارزه طبقاتی
تامی نیروهای بالنده تاریخ نه تنها شرک دارند، بلطفا ساس
مبارزه، اتحاد آنان با یکدیگر را همین شعار توضیم می دهد.
وجون این بینش نیروهای بالنده تاریخ را به ویژه نیروهای
سوسایلیسم را با خود متحد نمی شناسد. شعار آنها را تائی بزیرد
این بینش از آنجا تامی نیروها را به تشکل حول شعار "نه
شرقی نه غربی" دعوت می کند که این شعار در خود عنصری
دارد که می کوشد ضمن نفع سلطه سرمایه بین الطیلی مانع
تکامل تاریخی جامعه و گسته شدن حلقة اصلی زنجیر اسلام
رنجبران گردد. این بینش می کوشد مبارزه اش با امپریالیسم
را هاگشای استقرار سوسایلیسم نگردد. نفع ای که در بطن
نه شرقی نه غربی "نهفت است، یک نفع دیالکتیکی نیست،
بازگردانیدن حقیقت پویای تاریخ به واقعیت تلخ گونی نیست،
نفع نفع نیست، انقلابی نیست، محافظه کار است. "تفی آی
که در بطن "نه شرقی نه غربی" نهفت است، "تفی آی
نهشت که در بطن مادیت تاریخی نهفت است، این نفع، نفع
حرکت تاریخ است. "تفی آی که در بطن نه شرقی نه غربی
نهفت است، نماشکر بیم و هراس خرد بورزوایی از حرکت
تکاملی ماریچ تاریخ است. فریاد عاجزانهای است که افسوس
امصار ماضی را می خورد.

شعار "نه شرقی، نه غربی" گزجمه جوهري ضد امپریالیستی
مدد سلطه سرمایه بین الطیلی را سعکن می کند گزجمه شعاری
است که وحدت با امپریالیسم جهانی را نفع می کند، اما از
از جاکه این نفع یک نفع دیالکتیکی نیست، از آنجا که این
نفع بمعایت تکمیل بر نفع آینده، افسوس، گذشته را می خورد
با یک دست جهان موجود و بادست دیگر آینده موعود را نفع
می کند. "نه شرقی، نه غربی" آرمان خرد بورزوایی هراسانی
است که از همه چیز می گریزد. او ذر زمکاه دوران ساز امپریالیسم
وسوسایلیسم، در پیکار تاریخی ارتش حیان، کار با سرمایه
بن الطیلی خود را تنها یافته است او با بورش سهمگین سرمایه
می بیند او صحنه اعدام تاریخی مالکیت خصوصی بروساپل
تولید و از آن جمله سرمایه خرد را بهشت چشم خود مجسم کرده
است."



دوستان و جاسوسان
امیریالیسم امریکانقه سوکوب
جنبهش انتقامی دانشجویی رادر
سراسر ایران تدارک داشته
بودند تا بخیال خود مانع
مقابله سرع نیروهای انقلابی
با تهاجم نظامی امریکا شوند.

ماهیت امریکائی نقشه اشغال دانشگاهها و کشتار دانشجویان را بو ملا کرد!

اجرا شد از طرح حده هواپیماها برای نجات
گروگانها به هیچوجه جدا نیست. بنابراین
طرحها با دستور بسیاران برخمامه مردم شهر
سنندج آنهم درست روزی که امریکا در ایران نیرو
پیاده می‌کند ارتباط جدایی ناپذیر وجود
دارد.

مردم می‌خواهند بدانند:
۱- هواپیماها از چه طریق در شهر طبس که
در قلب ایران است رسیده‌اند و از کدام مرز وارد
شده‌اند؟ ارتش به این سوال پاسخ دهد که تا چه
حد از ورود هواپیماها و هلیکوپترها باخبر بوده
است؟

۲- چه دستکامه‌هایی و چه کسانی وظیفه
راهنمایی هواپیماها و مراغت و مکار به آنان را
برعهده داشته است؟ باید تمام همکاران ایرانی
این بزمیه جناهکارانه شناخته شده و به مجالات
بررسند.

۳- آیا تمام نیروهای امریکائی از ایران
گریخته‌اند یا نه؟ ارتش که مدعاً است خلک کرد
نمی‌گذارد ارتش برای دفاع از مرزها در مرز مستقر
شود نقشی را که در این مرد بر عهده داشته است
تووضیح دهد.

۴- چرا مقامات ایرانی از وجود افراد ایرانی
بین امریکائی‌ها خبری انتشار نداده‌اند؟

۵- علت سکوت مقامات دولتی چه بوده است؟
چرا باید اول کارت اعلامیه کاخ سفید را بخواند؟
روز رادیو ایران فقط اعلامیه کاخ سفید را بخواند.
معنی ویش جمهور و فرماندهان ارتش فقط روز
بعد از حمله از آن مطلع شدند؟ این باور کردند
نیست. چرا حقایق را از مردم پنهان کردند؟
چرا دولت ایران قبل از صدور اعلامیه کاخ سفید
خبر برخورد هواپیما را انتشار نداد؟ مردم پاسخ
این سوالها و دهها سوال دیگر در این دوره را
می‌خواهند و تمام حقایق و تمام دست اندکاران
این توکله امریکائی باید افشا شوند. بدون
همکاری عوامل داخلی به ویژه ارتش هرگز امریکا
نمی‌توانست از این بزمیه بپاده کند.

ما از همه مردم آگاه و مبارز ایران دعوت
می‌کنیم تا پیکرانه برای افسای حقایق مربوته به
توطنه عوامل سیا و ارتش امریکا به مبارزه
برخیزند، ما از همه مردم آگاه و مبارز ایران
می‌خواهیم به حقایق کشتار دانشجویان و مردم
سنندج و طرح آزادی گروگانها اندیشه کنند و
ارتباط طراحان و عاملین این فجایع را با طراحان
نقشه نجات گروگانها مشخص نمایند! هرگوشای
از این حقایق که پنهان ماند به متابه آنسته یک
جاموس امریکا، یک پایکاه امریکا در درون
مرزهای میهن ما پنهان و ناشناخته مانده است.

مسئلیت ادامه فعالیت این پایکاه‌های
امریکائی، همچون سایر پایکاه‌های آن در
میهنمان مستقیماً بر عهده دولت و شورای انقلاب
است که تا آنجا که توانسته‌اند مانع از افسای
بی‌پروای شیکه دولت و جاموس امریکا شدند
که تا آنجا که توانسته‌اند آنان را در پنهان خود
گرفتند.

افسای امریکائی باید ادله‌های باید
دانشیان خلق نهشانیش و دو شادیش هم
خلق‌های ایران هر تجاوز امیریالیسم امریکا را
با شکستی مفتضانه روپرور خواهند ساخت. خلق
قهرمانان ما مصممانه ایران را به کورستان
امیریالیسم بدل کردند. خلق نیرومندتر

ما این تجاوز آشکار امیریالیسم امریکا را که با
کمک و دستیجه‌ی ایادی داخلی آن صورت
گرفته است قویاً محکوم می‌کنیم و آن را تجاوزی
آشکار به حقوق مردم می‌نیمنان می‌شناشیم.
امیریالیسم امریکا زبون‌تر از آن است که در اراده
بولادین خلق ما که برای رهایی خویش از سلطه
امیریالیسم جهانی به سرکردگی امیریالیسم امریکا
به‌خاسته است خلیلی وارد کند. خلق نیرومندتر
از آن است که امیریالیست‌ها می‌اندیشند،
پیروزی قطعاً از آن خلق هاست.

پیروزی ساد مبارزه خلق‌های قهرمان ایران علمه امیریالیسم امریکا
زنده باد مبارزه حق کرد، بعیزه مردم قهرمان سنندج که دلاورانه در پیاره‌ی مبارزه
جهانی انقلابی که با تقدیم دهه‌شید، از سکر آزادی و انقلاب ایران پاسداری کردند

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
جمعه ۱۴ اردیبهشت ۱۳۵۹

عملیات شکست خورده امریکا برای نجات گروگانها

هم میهنان آگاه و مبارز!

تلash ناموق و منتصف مأموران ارتش امریکا
سازمان سیا و ایادی ایرانی آنها بار دیگر ثابت
کرد که امیریالیسم امریکا این دشمن اصلی خلق
ما از هیچ کوششی برای ضربه زدن به مبارزات
استقلال طلبانه و فدای ایالیستی خلق ما فروگذار
نخواهد کرد.

این حمله ماهیت پلید و تجاوزگر دولت امریکا
را بهبودین وجه به نمایش گذاشت، این حمله
کیت کرد که امیریالیسم امریکا و ایادی ایرانی
وی زبون تر و مغلوب‌تر از آنند که بتوانند کاری از
بیش ببرند.

ولی بهینم این طرح با چه مقدماتی
به اجرا درآمد؟

امروز همه مردم اطلاع دارند که از یک هفت
قبل در ساختمان پشت سفارت امریکا طرح حمله
به دانشگاه‌ها تدارک دیده شد و همزمان با آن
بسیاران شهر سنندج و کشتار ددمنشانه مردم
سی دفاع شهر که هم آینک اجسادشان خیابان‌های
شهر را اشناخته است، آغاز گردید.

مردم آگاهند که تهاجم به دانشگاه‌ها و کشتار
دانشجویان انقلابی ابتدا در دانشگاه تبریز، به
تحریک حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی آغاز شد
و بعدنیال آن کشتار دانشجویان انقلابی در
سراسر کشور به نام انقلاب فرهنگی و در حقیقت
برای منوعیت فعالیت‌های صنفی و سیاسی
دانشجویان به اجرا درآمد.

در شهر تهران دسته‌های اوپاش و باندهای
سیاه با کمک "انجمن‌های اسلامی دانشجویان"
به دانشگاه‌ها بورش آورده و بر آساس شواهد و
مدارک موجود به دستور مستقیم آیت‌الله کمی و
با نقش موثر پاسداران و به ویژه افراد کمیته ۹
به کشتار دانشجویان انقلابی دست زدند.

در اهواز آیت‌الله جنتی، امام جمعه و عضو
شورای نگهبان قانون اساسی با تحریک
گروههایی از مردم به دانشگاه اهواز بورش
آورده و به فوجیم ترین شکل دهها تن از
دانشجویان را قتل عام کردند.

در کشتار مردم رشت که به شهادت قریب به
۲۰ تن دانشجو و کارگر انقلابی انجامید
حجت‌الاسلام هادی غفاری شخصاً به روی
دانشجویان آتش سلاح گشود و انقلابیون را به
خاک و خون نشاند. و بالاخره در مرکز آموزش
عالی سراسر کشور صحنمه‌های فوق تکرار شد و
مدها دانشجویان انقلابی در مشهد، اصفهان،
شیراز، زاهدان و ... بارداشت و مجموع و
صدوم شدند و با به شهادت رسیدند.

امروز مردم آگاه می‌دانند که حزب جمهوری
اسلامی و ایادی آن در سراسر ایران روزهای اخیر
دانشجویان انقلابی بدل کردند. این حزب که
جنایات اخیر آن در دانشگاه‌ها هرگز از صفحه
تاریخ مبارزات خلق‌های دانشگاهی به داشت
تلash خود را به کار بست که با استفاده از
ناآگاهی عناصر فریب خورد، دانشگاه، این
سکر آزادی و مبارزات خلق‌های دانشجویان را مورد هجوم قرار

دهد و سر مبارزات ضد امیریالیستی مردم را
منحرف سازد که توجه مردم از امیریالیست
امیریکا منحرف شود، تا این دشمن بزرگ خلق ما
فرصت پاید هر توطئه‌ای را که می‌خواهد در ایران
پیاده کند.

بی‌دلیل نیست که امام جمعه تهران، در خطبه
جمعه خود بدون اینکه حریق از هواپیماهای
امریکائی به میان بیاورد فقط به دشمنان انقلابیون
کمونیست و سایر نیروهای ضد امیریالیست
برداخت و تمام کوشش خود را به کار بست تا با
دروع و چعل حقایق زمینه‌ای فراهم آورد که
برآسان آن کشتار دانشجویان انقلابی را در /
رابطه با امیریالیسم امریکا به سود خود و
هدستانش در حزب جمهوری اسلامی و شورای
انقلاب توجیه نماید. گویا آقای امام جمعه که در

زنده باد مبارزه حق کرد، بعیزه مردم سنندج که دلاورانه در پیاره‌ی مبارزه
جهانی انقلابی که با تقدیم دهه‌شید، از سکر آزادی و انقلاب ایران پاسداری کردند

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

هم میهنان آگاه و مبارز!

میهن ما لحظات حسایی را می‌گذراند،
امیریالیسم امریکا، اروپا و زاگن به همدستی هم
و با تحمل محاصره اقتصادی و تهدیدات نظامی
کمونیست و سایر نیروهای ضد امیریالیست
که با همکاری دولت و جاسوسانشان در ایران و
در منطقه تلش دارند تا جانی که بتوانند اراده
و پایداری و اتحاد عمل مردم را بشکند و ما را
به تسلیم وادارند.

طرح حمله به دانشگاه‌ها و کشتار دانشجویان

انقلابی که توسط حزب جمهوری اسلامی تنظیم و

شکست جهانی امپریالیزم آمریکا هر روز تزدیک تر می شود

نبرد و رهبری به وجود آمده و سایر امکانات موردن نیاز به خوبی آمده شده بود.

دفتر سیاسی حزب و کمیته مرکزی نظامی در همین ماه جلسهای برای ارزیابی دقیق از موقعیت تشکیل داد. این جلسه پس از ارزیابی گزارشات جبهه شرایط جنوب را در پنج نکته زیر جمع شدی نمود:

۱- ارتضی سایکون هر روز از نظر نظامی، سیاسی و اقتصادی ضعیف تر می شود و نیروهای انقلاب در جنوب از دشمن قوی تر شده است.

۲- امریکا در داخل و خارج با شرایط سختی روبرو شده است و قادرتش برای کمکهای سیاسی و نظامی به دست نشاندگانش رو به افول گذاشته است. دولت امریکا نه تنها مجبور شده کمکهایش را به دولت دست نشانده سایکون تقلیل دهد، بلکه در صورت حمله نظامی مجدد به ویتنام با مخالفت‌های فزایده‌ای روبرو خواهد شد و حتی اگر ارتضی امریکا دوباره دست به مداخله نظامی بزند قادر نخواهد بود از سقوط رژیم دست نشانده سایکون جلوگیری نماید.

۳- انقلاب موقعیت استراتژیکی ای به وجود آورده است که شمال و جنوب را به هم مرتبط ساخته است، نیروها تدارکات و ملزمات را افزایش داده و سیستم جاده‌های استراتژیک و تاکتیکی را تکمیل نموده است.

۴- جنبش‌های با خواستهای صلح، بهبود شرایط زندگی، دمکراسی و استقلال ملی و خواست سرنگونی رژیم تیو در شهرها به حرکت در آمده‌اند.

۵- مبارزه بحرث مردم ویتنام از حیات و پشتیبانی قوی مردم جهان برخوردار است. کنفرانس با توجه به نکات فوق تایگوون را ۲۵ یعنوان مرکز اصلی جنگ انقلابی در سال ۱۹۷۴ تعیین نمود اما دفتر سیاسی هنوز موقعیت را برای تعمیین استراتژی نهائی زود تشخیص می‌داد.

کمیته مرکزی حزب از تمام مسئولین و کادرهای رهبری و فرماندهان نظامی دعوت کرد که برای گزارش موقعیت عینی جبهه‌های نبرد و بحث و تصمیم‌گیری به هانوی بروند و در فاصله ۱۸ دسامبر ۱۹۷۴ تا ۸ ژانویه ۱۹۷۵ کنفرانس عالی‌ای تشکیل گردید که در خلال جلسات آن اخبار جدیدی از جبهه جنوب به کمیته مرکزی رسید.

نیروهای انقلابی موفق شده بودند که شهر فوکلانگ در ناحیه نام بو را تسخیر کرده و جاده ۱۴ را قطع نمایند. انقلاب به پیروزی بزرگی دست یافته بود. در ظرف ۲۵ روز ۲ هزار نفر از ارتضی دشمن کشته و زخمی شده بودند و اولین ایالت در جنوب (فوک لانگ) بطور کامل آزاد شده بود. دولت امریکا در مقابل این ضربه سخت عکس‌العمل تھان داد و ناووهای پیمانه اتمی "انتپرایز" را به سواحل ویتنام فرستاد و تهدید نمود که بضاران ویتنام شعلی را از سر خواهد گرفت. اما به زودی بخاطر فشارهای گوناگون از این کار منصرف شد. ضرباتی که در اثر مبارزه انقلابی خلق ویتنام پیشیده رفع شده بودند.

انقلاب جنوب را ارائه نماییم."

در ماه مارس ۱۹۷۴ کمیته مرکزی نظامی برای بحث پیرامون قطعنامه کمیته مرکزی تشکیل جلسه داد تا بر مبنای آن نقشه مشخص عملی ساخته قطعنامه در زمینه نظامی را پی‌ریزی نماید. روح قطعنامه اشعار می‌داشت که "اگر دشمن موافقنامه (پاریس) را اجرا ننماید و سیاست ویتنامیزه کردن را ادامه بدهد، که این در اساس یک جنگ تواستعمرای برای فتح کامل جنوب است، برای ما هیچ راهی جز اتخاذ تاکتیک جنگ انقلابی، نایاب داشتن دشمن و آزاد کردن جنوب باقی نمی‌ماند." کنفرانس نظامی تشدید فعالیت

امپریالیسم امریکا، بعد از شکست استعمارگران فرانسوی در هندوچین و عقد قرارداد زنو، دست به گسترش همه جایه نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی خود در جنوب ویتنام زد. مردم ویتنام به مقابله با امپریالیسم امریکا برخاستند و همزمان با برقرار کردن پایه‌های سوسیالیسم در شمال، مبارزه علیه اختناق و جنگ نواستعمرای را در جنوب گسترش دادند. پس از تهاجم نظامی مستقیم امریکا به ویتنام دوران مبارزه متحد شمال و جنوب علیه تجاوز مستقیم امریکا آغاز گردید که به امضای قرارداد زانویه ۱۹۷۳ پاریس منجر گردید (۱۹۶۵-۷۲). کنفرانس صلح پاریس بیانگر مرحله نوینی در تاریخ مبارزات خلق فیلمان ویتنام بود. امپریالیسم امریکا به خروج نیروهای نظامی خود و اقامارش از خاک ویتنام و عدم مداخله نظامی در این کشور گردن شد. امریکا مجبور شد قراردادی را امضاء نماید که حق تعیین سرنوشت مردم ویتنام یعنی استقلال، حق حاکمیت و وحدت و یکپارچگی مردم ویتنام را به رسمیت می‌شناخت.

اما دولت امریکا بعد از این کنفرانس از هیچ کوششی برای نقض سیستماتیک موافقنامه فروگذار نکرد. آنها سیاست "دکترین نیکسون" را که چیزی جز استقرار استعمار نوین و تقویت نیروهای اجتماعی در ویتنام نبود، همچنان دنیال می‌کردند. دولت امریکا قبل از خروج ارتضی این کشور از ویتنام، به بازسازی و تقویت ارتضی ارجاعی سایکون دستزد و در این راه ۵۰۰ هوابیمای جنگی (از انواع مختلف)، ۵۰۰ ایزار توبخانه، ۴۰۰ تانک و خودرو زرهی و مقادیر زیادی کشتی و سایر ملزمات جنگی را روانه ویتنام ساخت.

هنوز مرکب موافقنامه پاریس خشک نشده بود که تیو برنامه سه‌ساله‌ای (۱۹۷۳-۷۵) برای خنثی کردن جمعیت (پاسیفیکاسیون) و گسترش و تقویت ارتضی مزدور خود آغاز نمود. تا بدینویله نیروهای انقلابی را در خاک ویتنام جنوبی نایاب سازد. تیو در سال ۱۹۷۳ به سربازگیری وسیع دست زد و ارتضی خود را به ۵۰ هزار نفر رسانید. نیروی هوایی را گسترش داد و به تقویت نیروهای زرهی و تاکتیکی ارتضی سایکون دست زد. در این سال کل نیروهای تحت فرماندهی دولت دست نشانده سایکون با درنظر گرفتن پلیس، پلیس مخفی و... به یک و نیم میلیون نفر رسید که به وسیله امریکا تا دندهان و تکیک جنگی امپریالیسم امریکا تا دندهان مسلح شده بودند.

در ماه اکتبر ۱۹۷۳، بیست و یکمین کنفرانس کمیته مرکزی حزب کارگران ویتنام تشکیل گردید. کنفرانس ضرورت "همکون کردن مبارزه سیاسی و نظامی را با مبارزه دیپلماتیک" مطرح ساخت و تاکید نمود که "راه انقلابی برای جنوب راه قهر انقلابی است. شرایط هرچه که باشد ما باید لحظه مناسب را انتخاب کرده، (موقع) تهاجم استراتژیک را حفظ نموده و فعالانه راه پیشبرد

در واپسین روزهای شکست قطعی امپریالیسم امریکا در ویتنام، رفیق "وان‌تین دام" در نطقی برای اعفای ارتضی خلق گفت:

"سرزمین ما سی سال است که اسلحه‌بست گرفتام است. اما هنوز قرص ماه ما دوپاره است... امروز روزی است که ما به همراه خلق، ماه دوپاره را پکارچه کنیم."

سیاسی برای بالا بردن کیفیت نیروهای مسلح خلق را توضیه نمود و استراتژی حمله و ضد حمله را در برنامه کار قرار داد و تاکید نمود که ارتضی خلق می‌باید سیاست تهاجم، بربائی قیام‌ها، در دست گرفتن ابتكار عمل و تغییر شرایط را برای تهاجم جبهه‌ها را به پیش رانده و شرایط را برای تهاجم همه‌جانبه و حملات گسترده در سال ۱۹۷۵ فراهم نماید.

به دنبال تصمیمات فوق تمام بخش‌های ارتضی خلق حملات گسترده و بی‌وقفه خود را در اکتبر ۱۹۷۴ آغاز کردند. ارتضی خلق توانست در چند منطقه پیروزی‌های چشمگیری به دست آورد و ضربات شدیدی بر دشمن وارد سازد. کار و رهبری حزب بلا فاصله به جمع بست نتایج به دست آمده پرداخت و نتیجه گرفت که نیروهای نظامی مت Hurk خلق از قدرت و برتری چشمگیری نسبت به نیروهای دشمن برخوردار شده و جنگ به مرحله نهائی خود رسیده است. تعادل نیروها تغییر یافته بود. نیروهای خلق قدرت زیادی به دست آورده بودند و دشمن تضعیف گردیده بود. رهبری انقلابی حزب به این نتیجه رسید که نقطه عطفی در مبارزه خلق علیه دشمن پیدا شده بود که می‌باید بطور اصولی ارزیابی شده و بر مبنای آن طرح حمله نهائی برنا مریزی شود. در همین زمان پیروزه ایجاد یک جاده استراتژیک تدارک نمود که "راه انقلابی برای جنوب راه قهر انقلابی است. شرایط هرچه که باشد ما باید لحظه مناسب را انتخاب کرده، (موقع) تهاجم

امريکا تو خالی است و ویتنام گواهی است

شکست جهانی امپریالیزم . . .

بقیه از صفحه ۱۴

بر امپریالیسم وارد شده بود قدرت تجاوز مجدد را از آنها گرفته بود.

در ۸ زانویه ۷۵ رفیق لهدوان در نقط پایان کفرانس اعلام نمود:

"مامضم هستیم که برنامه دو ساله خود را کامل نمائیم دو سال مدتی کوتاه و در عین حال طولانی است . . . آنکه امریکاییان نیروی خود را بیرون کشیده اند. ما در جنوب ارتش خلق را داریم و رویه توده ها رو به اعتلا، است. این همان چیزی است که لحظه مناسب را به وجود آورده است. ما باید آنرا قاطعانه درک نمائیم و مبارزه را در هر سه جمهه نظامی، سیاسی و دیپلماتیک گسترش بخشیم. این است خصوصیت ویژه ویتنام . . .

ما ابتکار عمل را در صحنه نبرد در دست داریم . . . در اطراف شهرها جبهه ساخته ایم در شهرها جنبش توده ای وجود دارد. جهان از ما حمایت می کند. ما باید ضربه استراتژیک را در سال ۱۹۷۵ وارد سازیم. ما باید

نیرویمان را در نام بو بطور سراسری به هم متصل ساخته و فشار را بر سایکون تشذیب کنیم. ما توافق داریم که امسال را با حمله به تای نگووین آغاز خواهیم کرد."

جمع بست رفیق لهدوان مورد تصویب کفرانس واقع شد و قطعنامه دفتر سیاسی حزب در زمینه برنامه استراتژیک ۷۶-۷۵ ۱۹۷۵ به مرحله اجرا درآمد. قطعنامه مطرح می کرد که:

"در سال ۱۹۷۵ ما تهاجم غیر مترقبه، وسیع و گسترده خود را وارد خواهیم ساخت و شرایط را برای حمله سراسری و قیام در سال ۱۹۷۶ آماده خواهیم نمود. در سال ۱۹۷۶ حمله سراسری و قیام را برای آزادی کامل جنوب اجرا خواهیم کرد."

دفتر سیاسی حزب علاوه بر برنامه استراتژیک دو ساله یک مسئله دیگر را نیز در نظر گرفته و آن را در برنامه سال ۲۵ ملحوظ داشت:

"اگر شرایط مناسب در آغاز سال ۱۹۷۵ خود بنمایاند، ما بدون وقفه چنوب را در سال ۱۹۷۵ آزاد خواهیم ساخت."

در نهم زانویه ۷۵ کمیته رهبری نظامی طی جلسه ای برنامه حمله و تسخیر شهر بان لی نات در منطقه تای نگووین را طرح ریزی نمود اما قطعیت آن را به کسب اطلاعات بیشتر در مورد اوضاع عینی منطقه و شهر موكول نمود. "لوداک تو"، عضو دفتر سیاسی، در خلال جلسه وارد شد و تصمیم قطعی دفتر سیاسی را برای حمله به شهر "بان می نات" به کمیته نظامی اعلام کرد. وی گفت:

"ما باید برنامه حمله به بان می نات را بی هیچ شک و تردیدی طراحی نمائیم. ما

تقریباً پنج گردان در منطقه تای نگووین داریم اگر نتوانیم بان می نات را تصرف نمائیم پس برای چه خوب هستیم؟"

دفتر سیاسی ژنرال وان تین دان را مامورو ساخت که از طرف این دفتر و کمیته نظامی به جبهه جنگ رفته و فرماندهی عملیات را در منطقه تای نگووین برعهده گیرد. قبل از عزیمت او به ملاقات و خدا حافظی با عده ای از رهبران حزب شتافت. رفیق ترون شین به او گفت:



Afshar و سرداران ارتش آزاد بیخشن خلق مو ماند



فرمانده عملیات فتح سایکون (وان تین دان) و فتح دفاع (نگووین جایه)

و دریک نبرد دو روزه شهر بان می نات به تصرف انقلاب در آمد. مردم به استقبال نیروهای انقلابی شافتند و جشن توده ها آغاز گردید. نیروهای ارتش سایکون فراری و یا تسليم شدند. جیاپ از طرف کمیته مرکزی تلگراف تبریکی برای نیروهای انقلاب فرستاد و در آن ضمن خاطرنشان ساختن اهمیت این پیروزی تأکید نمود که انقلاب قدرت کسب پیروزی های درختان را به دست آورده است. این پیروزی بیانگر روحیه ضعیف نیروهای دشمن و فراریان زمان مناسب برای پیروزی های بزرگتر بود. پیروزی ارتش خلق در تای نگووین نقطه عطفی در جنگ انقلابی خلق بوجود آورد. ارتش خلق به سرعت نابودی بقایای دشمن را دنبال کرده و پس از تسخیر شهرهای پلیکو و کانتوم پیشروی به سوی جنوب را آغاز نمود. نیروهای رژیم تیو چون ماری بدون سر در منطقه حرکت می کردند و ارتش خلق در ضربات خود را یکی پس از دیگری وارد می آورد. در مقر سفرماندهی نیروهای ارتش خلق نقشه عملیات مملو از دایرمهای سرخی بود که مناطق تسخیر شده را نشان می داد و فلش های سرخنگ بسیار مسیر پیشروی ارتش ارتش خلق قدرت را نشان می دادند و فلش های سبزنگ مسیر فرار ارتش سایکون را شخص می نمودند.

ژنرال وان تین دان پس از این پیروزی تلگرامی به هانوی مخابره نمود و اوضاع جدید جبهه را تشریح نمود. روز بعد در ۱۵ مارس ۱۹۷۹ تلگرافی با امضای جیاپ از طرف دفتر سیاسی حزب و فرماندهی نظامی به او مخابره شد که در آن تحلیل جدید حزب و امکان کسب پیروزی کامل در سهار ۱۹۷۵ و قبل از شروع فصل باران مطرح شده بود. در همین اوضاع اخبار جدیدی از جبهه می رسید. نیروهای ارتش سایکون بسرعت دست به یک عقب تشنی استراتژیک به سوی جنوب زده بودند. آری لحظه بزرگ فرا می رسید نبرد بان می نات و جنگ های منطقه تای نگووین نقطه عطفی در مبارزه نظامی ایجاد گرده بود. لحظه فرود آوردن ضربه قطعی و نهایی فرا رسیده بود. ادامه ندارد.

"ما باید ضربات استراتژیکی و مرگ آوری چون دن بین فو بر دشمن وارد سازیم. ما تنها به چند تا از این ضربات احتیاج داریم و سپس دشمن به یکاره سقوط خواهد کرد."

له دوان به او گفت:

"تو باید در مورد شیوه های حمله خوب فکر کنی، جبهه نبرد در تای نگووین می گویند موقیت بزرگی باشد. کسب پیروزی می تواند را به احتمالی که پیش بینی کرد هایم برساند، احتمال اینکه اسال بتوانیم جنوب را آزاد کنیم."

بان می نات شهر اصلی ایالت دارالاک دارای جمعیتی قریب به ۱۵ هزار نفر و یکی از مراکز اقتصادی دشمن و مقر فرماندهی نظامی لشکر ۲۳ آن بود. نیروهای دشمن به برنامه ارتش خلق که آن را در اختفای کامل انجام می داد بی نبرده بودند. آنها فکر می کردند انتقام برناخته به شهرهای کوچکتر پلیکو و کانتوم در آن منطقه را دارند. آنها فکر می کردند که ارتش خلق قدرت حمله و تصرف شهرهای بزرگ را پیدا کرده باشد و می اندیشیدند که حتی اگر چنین حمله ای صورت گیرد ارتش انقلابی در مقابل ضدحمله مجبور به تخلیه شهر خواهد بود. با این تصور بود که آنها نیروهای عده خود را در شهرهای فوق الذکر متعرک کرده بودند. آنها دچار اشتباه استراتژیک بزرگی شده بودند. علیرغم آنکه ارتش تیو ۱۳۵۱ هجری شده بودند. اشتباه ضربات مرگباری بر آن وارد ساخت.

رفیق وان تین دان در نقطی که برای اعضای ارتش خلق انجام داد گفت:

"دو خط از یک شعر هست که قلب مرد به آتش می کشد . . . سرزمین ما سی سال است که اسلحه به دست گرفته است، اما هنوز قرص ماه ما دوپاره است." ما با توجه به وضع جبهه و موقعیت مناسب و برنامه عملیات، امروز روزی است که ما به همراه تمام ملت ماه دوپاره را یکپارچه کنیم."

دهم مارس ۷۵، ساعت ۲ نیمه شب حمله -

بر قرآن ارتش خلق در تای نگووین آغاز گردید

هر گویی بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی

مبارزه و مقاومت

درس بزرگ تاریخ جنبش دانشجویی ایران

(قسمت اول)

نمایند و برای اینکه بتوانند مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها را مبارز نمایند و به انحراف کشانند باید جلو رشد آگاهی و تشکل سیاسی توده‌ها را بگیرند و برای اینکار باید کانونهای اشاعه آگاهی را از بین ببرند و به دستاوردهای قیام توده‌ها حمله بزنند.

کذربی بر تاریخچه جنبش دانشجویی ایران این واقعیت‌ها را به زبانی گویا روش می‌کند و نشان می‌دهد که:

۱- گروههای انقلابی و متقدی دانشجویی سالها علیه سلطه امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار وابسته به آن مبارزات پیگیر و خونین داشته‌اند.

۲- سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم سابق همیشه جنبش دانشجویی را به زیر شدیدترین فشارها گرفته است.

۳- حمله اخیر به دانشکاهها، خونبارترین حملات سرکوبگرانهای بوده‌است که درجهت انهدام آزادی‌های سیاسی و گسترن پیوند جنبش دانشجویی با جنبش توده‌ها صورت گرفته است و این خود بیانگر رشد فزاینده مبارزات توده‌ها علیه امپریالیسم و وابستگان داخلی اش می‌باشد.

بررسی مختصر این تاریخچه همچنین نشان می‌دهد که مبارزات دانشجویی در سیر تکاملی خود هرچه بیشتر با مبارزات توده‌ها گره خورد است. هرچه تسلط امپریالیسم بر میهن ما گستردگرتر می‌شود، جنبش دانشجویی نیز پایها و پیش‌پیش مبارزات توده‌ها علیه این سلطه‌گری را رشد و تکامل بیشتری می‌یافتد تا به آن پایه که امروز دیگر جنبش دانشجویی در تمام زمینه‌ها با مبارزات توده‌ها در رهم آمیخته است. امروز دیگر دانشجویان مبارز و آگاه ما در چهارچوب جنبش دانشجویی ایران کام‌های موثری برمی‌دارند.

جنبشهای ایران بعنوان مشعل فروزانی فراراه مبارزات توده‌ها علیغیرغم تمام سیاست‌های سرکوبگرانه رژیم سابق، از سالهای ۱۳۲۰ به بعد هر روز فروزانتر می‌شود و هر بار بیشتر راه توده‌ها را برای رسیدن به استقلال و آزادی هم‌وار می‌کرد. در فاصله سالهای ۱۳۲۰-۳۲ هرچه مبارزات توده‌ها علیه تسلط امپریالیسم اوج می‌گرفت، جنبه‌های سیاسی جنبش دانشجویی نیز بیشتر می‌شد و از آنجایی که محیط دانشگاه محلی برای رشد اندکار سیاسی و برخورد اندیشه و افکار طبقات اجتماعی است، جنبش دانشجوی از بار سیاسی سمت یافته‌تری نسبت به جنبش توده‌ها برخوردار می‌شد. در آن‌سالها مبارزه برای ملی کردن نفت و قطع تسلط انگلیس بر میهن‌مان جریان داشت و دانشجویان در پیشبرد این مبارزات سهم بسزایی داشتند. بطوریکه مبارزات سیاسی آنان بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ به اوج خود رسید. در ۱۶ آذر ۱۳۲۲ دانشجویان به عنوان اعتراض به آمدن نیکسون معاون رئیس جمهور وقت امریکا ظاهراتی برپا داشتند. مردم

بقیه در صفحه ۱۷

را که هلنگووهای تبلیغاتی رژیم سابق دانشجویان انقلابی را "خرابکار"، "اخلاقکار" و "عولمل بیکانه" قلمداد می‌کرد تا بلکه بتوانند از پیوند جنبش دانشجویی با توده‌ها جلوگیری نمایند اما همچنانکه تلاش‌های ریم شاه راه به جانی نبرد، این بار نیز تلاش‌های مذبوحانه حزب جمهوری اسلامی در "امریکائی" جلوه‌دادن دانشجویان پیشگام و سایر گروههای متقدی دانشجویی، تلاش سازمان یافته آنان برای درهم کوبیدن آزادی‌های سیاسی، گسترن زنجیر ارتباطی انقلابیون کوئیست با کارگران و زحمتکشان از طریق انهدام نهادهای دمکراتیک و سرکوب مبارزات دانشجویی قطعاً با شکست مواجه خواهد شد.

حمله به دانشکاهها، سیاست جنبشکارانه وابستگان و دوستان امپریالیسم جهانی را به نمایش می‌گذارد و شاید اشتباہ میزترین اقدام آنان در جهت پیشبرد مقاصد شومنان به حساب آید. قیافه‌های معترض بخش وسیعی از توده‌ها در روز حمله به دانشکاهها، ناباوری و تعجب آنان از چنین اقدام جنبشکارانه و درعین حال ابله‌های چنین واقعیتی را تأیید می‌کند. تاثیر عمیقی که حرکت اخیر دانشکاهها روی توده‌های ما گذاشت، و انکاس جهانی کشان خونین دانشکاههای ایران نیز چیزی نیست که حزب جمهوری اسلامی بتواند با سفسطه‌گوئی‌های سخنوارنش آن را بپوشاند یا شورای انقلاب و بنی‌صدر. که به عنوان رئیس جمهور مستقیم این کشانها متوجه اوست - به راحتی بتوانند آنرا نادیده بگیرند.

عمق فاجعه‌ای که "باندهای سیاه" مجری فرامین وابستگاه به امپریالیسم در روزهای اخیر در دانشکاههای میهن‌مان به وجود آورده است، بیانگر وحشت بی‌حدی است که امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار ایران از رشد روزافزون مبارزات ضد

امپریالیستی توده‌ها، گسترش و تعمیق آگاهی سیاسی کارگران و زحمتکشان، رشد تشكیلات و سازمان‌های آنان و هرچه مکمن تر شدن پیوند

جنبشهای دانشجویی با جنبش خود انگیخته توده‌ها دارند. طبقه سرمایه‌دار ایران و تمام آن جناحهای از حاکمیت که از سقوط سیستم سرمایه‌داری ایران که تمام وابسته است، هراس دارند، در سرکوب جنبش انقلابی دانشجویی که بخشی از جنبش کمونیستی میهن را تشکیل می‌دهد، وحدت نظر دارند. آنان به خوبی

آگاهند که داشتن دفاتر سیاسی دانشجویان یعنی تشکل مبارزات سیاسی آنان و این یعنی رفت اکاهی به میان توده‌ها و رشد مبارزات ضد امپریالیستی آنان. آنهایی که به بهانه انقلاب فرهنگی فرمان حمله به دانشکاهها را صادر کردند و آنهایی که بسته شدن دفاتر سیاسی گروههای مختلف دانشجویی را در برنامه کار خود قرار دادند، به خوبی به این امر واقعند که دانشکاهها

و دفاتر سیاسی گروههای مبارز دانشجویی کانونهای اشاعه آگاهی سیاسی هستند. آنان به این واقعیت بی برده‌اند که برای آنکه بتوانند شوراهای کارگر و دهقانی را نابود کنند، برای آنکه بتوانند جنبش مقاومت خلق کرد را درهم شکنند، برای آنکه بتوانند توده‌ها را خلع سلاح

بورش‌ای سازمان یافته اخیر به دانشکاههای میهن‌مان، خونبارترین صحندهای کشان دانشجویان را به وجود آورد و مقاومت دلاورانه دانشجویان، پر شکوه‌ترین حماسه‌های جنبش انتقامی دانشجویی را خلق کرد. طراح اصلی این حملات حزب جمهوری اسلامی و باندهای سیاه وابسته به آن بودند و شورای انقلاب و رئیس جمهور نیز با پیش کشیدن برچیده شدن دفاتر سیاسی دانشجویان عملی به برنامه‌های جنبشکارانه حزب جمهوری اسلامی صحه گذاشتند و مسئولیت مستقیم کشان دانشجویان را بر عهده دارند.

دانشکاههای ایران یکسال بعد از قیام خونین خلق بار دیگر شاهد مبارزه و مقاومت دلاورانه جوانان آگاه و مبارز میهن‌مان شد و بار دیگر سرکوبگران خلق با صدور فرمان کشان دانشجویان، صحن دانشگاه را آغشته به خون جوانانی کردند که لحظه‌ای در راه آگاه کردن توده‌ها به منافع خویش برای رهایی از قید ستم، بهره‌کشی و سلطه جوئی امپریالیسم، آرامش ندارند. جنبش دانشجویی ایران در تاریخ مبارزات پربار خود که مشحون از جانبازی‌ها و تلاش خستگی ناپذیر دانشجویان انقلابی است، مقاومتی تا به این پایه دلاورانه و کشانی به این سنگینی و جنبشکار را به یاد ندارد. دهها تن کشته، هزاران تن زخمی و صدها زندانی حاصل حملات سبعانه‌ای است که یکسال بعد از قیام خلق برای تحقق "استقلال، کار، مسکن، آزادی" با هدف از اشاعه آگاهی و پیشبرد امور جلوگیری از سیاست‌های اندیشه اسلامی و سازماندهی مبارزات کارگران و زحمتکشان میهن‌مان علیه امپریالیسم، صورت گرفته است. جنبش دانشجویی ایران در گسترش آگاهی بین توده‌ها از ساقه درخشنای برخوردار است. و به همین دلیل هم همیشه زیر ضربات سرکوبگرانه دولتها قرار داشته است.

دانشکاهها امروز از نظر توده‌های به پا خاسته ما سهل مبارزه و مقاومت به حساب می‌آیند. توده‌ها، دانشکاهها را یکی از سنگرهای مبارزات خود علیه امپریالیسم و دیگر دشمنان خود به حساب می‌آورند. آنها به یاد دارند روزهایی را که صفوی متشکل دانشجویان با فریادهای "زمینه زیر ضربات" سرکوبگرانه دولتها قرار داشته است.

"زمینه زیر ضربات" از دانشگاه شاه شما جلد است" از دانشکاهها به طرف محلات جنوب شهر سرازیر می‌شند و به یاد دارند که سینه‌های جوان و پر طیش دانشجویان چگونه آماز گله‌های امریکائی رژیم شاه قرار می‌گرفت هم چنین توده‌ها به یاد دارند روزهایی را که خود بخشی از سلاح‌های مصادره شده از پادگانها را در روزهای قیام به دانشگاهها می‌آورند، در آنجا سنگر می‌بستند، آموش نظامی می‌دیدند و دانشجویان مبارز و آگاه علل و راه از میان برداشتن فقر، ستم، نابرابری و خفغان را برایشان توضیح می‌دادند. زحمتکشان ما از دانشگاه و دانشجو تصویری از مبارزه و مقاومت را در ذهن خود دارند و این ذهنیت بر حقیقتی استوار است و آن حقیقت مبارزه دائمی دانشجویان انقلابی علیه دشمنان پنجم ما است. توده‌ها فراموش نکرده‌اند روزهای

پیحران در ۰۰۰

علاوه بر مسائل فوق، عناصر و جریان‌های لیبرالی در صنعت نفت که در جریان مبارزات نفتگران قهرمان در دوران قیام و پس از آن موقعيت‌شان به شدت تضعیف شده بود، با حمایت دولستان امپریالیسم در حاکمیت و با انتکا به توانائی فنی خود و داشتن مواضع کلیدی و پستهای حساس در صنعت نفت، تاکتیک‌های مختلفی را درجهت ایجاد شرایط مساعد برای ادامه وابستگی و احیاء شیوه‌های سلطه و استثمار به کار گرفته‌اند. این عناصر که بر مواضع کلیدی صنعت نفت چنگ انداخته‌اند، وجود سوراهای کارکنان مبارز صنعت نفت را نمی‌توانند تحمل کنند چرا که این شوراهای تبدیل به مانعی جدی در مقابل سیاست‌های سازش‌آنها با امپریالیسم شده‌است. آنها با حمایت از جریان‌های ارتقای ترقه‌مافن (نظیر انجمان‌های اسلامی و سندیکای مشترک) و هم‌چنین با ایجاد بلو و آشوب و محیط‌ترو و وحشت نظیر عملکردهای مدنی در خوزستان و زندانی کردن نمایندگان شوراهای کارگری آزادان، می‌خواهند زمینه را برای پاشیدگی اوضاع و سلطه مجدد خود، یعنی ادامه سلطه امپریالیسم فراموش آورند. کارکنان رژیونه نفت در طی قیام و بعد از آن به خوبی نشان دادند که نبود متخصصان کشورهای امپریالیستی و کمکاری و کارشناسی مدیران سرسپرده رژیم سابق در امر تولید، چندان اثری در صنعت نفت نمی‌تواند داشته باشد و آنها به خوبی می‌توانند بار سسئولیت‌ها را به دوش بکشند و صنعت نفت را اداره نمایند.

طبقه سرمایه‌دار و محافل وابسته به آن در صنعت نفت می‌کشند تا با کارشناسی‌ها و اخلاق‌گری‌ها یشان در امر تولید نفت، این ذهنیت را ایجاد نمایند که نمی‌توان صنعت نفت را اداره نمود مگر آنکه کارشناسان امپریالیستی باز گردند و قراردادهای استعمالی نفت با کشوارهای امپریالیستی مجدداً برقرار شود و شرکت‌های غارتگر امپریالیستی مجدداً فعالیت خود را برای استثمار هرچه بیشتر آغاز نمایند تا از این طریق دل آنها را به دست آورده و آنها را به سرمههر آوریم که نفت ما را بخرند و وسایل یدکی و کالاهای صنعتی به ما بفروشند!

کنسرسیوم بین‌المللی نفت و کلیه کشورهای امپریالیستی که منافعشان با طبقه سرمایه‌دار ایران گره خود را باز کشند، از مجموعه امکانات خود سود می‌جوینند تا سرمایه‌داران با قبضه‌کردن تمام قدرت راه را برای ادامه وابستگی هموار نمایند. برای خنثی نمودن توطئه‌ها و فشارهای اقتصادی و سیاسی امپریالیسم و برای از بین بردن کلیه وابستگی‌ها باید دگرگونی بنیادی در صنعت نفت صورت پذیرد. باید اعمال کنترل مستقیم و هم‌جانبه شوراهای کارگران و کارکنان بر تمام امور صنعت نفت عملی کردد. باید با گسترش همکاری‌های اقتصادی با کلیه کشورهای ضد امپریالیسم و اردوکاه سوسیالیسم، مجموعه فشارهای واردہ از طرف کشورهای امپریالیستی را خنثی نمود. بحران در صنعت نفت ایران، تنها با سازماندهی اقتصاد کشور به نفع طبقه کارگر و زحمتکشان می‌هن پایان می‌گیرد و این ناگفته پیدا است که تنها از عهده حکومتی ساخته است که قدرت سیاسی طبقه کارگر ایران را بر کل جنیش ضدمپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ما اعمال نماید.

مبارزه و مقاومت درسی آزاده

علیه ادامه سیاست اختناق و برقراری حکومت نظامی در دانشگاهها از سوی دیکتاتوری ایالتی و رژیم شاه را ودار به عقب نشینی کرد و انگلستان این عقب نشینی، سیاست ایجاد فضای باز در دانشگاهها بود. در تعقیب این سیاست دکتر اقبال در ۱۳۴۹ رئیس دانشگاه تهران شد و حکومت نظامی در دانشگاههای ایران برچیده شد. با برچیده شدن حکومت نظامی در دانشگاهها و ایجاد فضای بالغه دمکراتیک که دستاورد مبارزات بی‌وقفه دانشجویان بود، بار دیگر عرصه‌ای برای مبارزات نسبتاً علی‌دانشجویان به وجود آمد. در فاصله سال ۱۳۴۹-۱۳۴۵ جنبش دانشجویان اوجی تازه گرفت و کمونیست‌های اقلایی به عنوان جناح چپ جبهه ملی در عرصه مبارزات دانشجویی به فعالیت پرداختند. نفوذ تفکر مارکسیست - لینینیستی در جنبش دانشجویی پار سیاسی مبارزات دانشجویی را ارتقاء بخشید و به آن سمتی تازه داد. در بهمن ماه ۱۳۴۹ دانش‌آموزان و دانشجویان طی میتینگ‌ها و تظاهراتی خواستار بهبود سیستم آموزشی شدند که به فرمان دکتر اقبال به روی آنان آتش کشیده شد و در این مبارزه چندتنه از دانشجویان مبارز به شهادت رسیدند و عده‌ای زخمی شدند. اما مبارزات دانشجویی فروکش نکرد و در خرداد و تیر ۱۳۴۵ دانشجویان میتینگ‌ها را شرکت نمودند که در راه اندخته و خواستار تجدید نظر در قرارداد با پسرسیوم بین‌المللی نفت شدند. در اردیبهشت ۱۳۴۵ دانشجویان دانشگاه شیراز تظاهراتی علیه کنفرانس بهداشتی کشورهای عضو سنتو ترتیب دادند که در نتیجه این اعترافات و مبارزات، کنفرانس تعطیل شد و مقامات دولتی مجبور شدند پرچم‌های کشورهای عضو سنتو را از ساختمان دانشگاهها بردارند. دامنه مبارزات دانشجویی به خارج از مرزهای ایران کشیده شد و دانشجویان ایرانی در خارج از کشور طی میتینگ‌ها و تظاهرات خیابانی خود خواسته‌های مردم ایران را به گوش مردم سراسر جهان رسانیدند. دانشجویان اینقلایی در آن سالها همواره با مبارزات پیگیر خود در مقابل تسلط کشورهای امپریالیستی به میهن‌نامان ایستادگی می‌کردند، همواره فریاد اعتراض علیه جنایتهای شاه سر می‌دادند و مضمون فعالیت انقلابی آنان همواره به دست آوردن استقلال و آزادی بود. آنان هر جا که قراردادی بین دولت سرسپرده ایران با امپریالیسم بسته می‌شد، مشتهای گره‌کرده خود را به عنوان اعتراض بالا می‌آوردند. برافروخته از خشم در خیابانها به راه می‌افتادند، صحن دانشگاه را تبدیل به میدان مبارزه علیه امپریالیسم و وابستگانش می‌کردند و می‌خواستند توده‌ها را از سیاست‌های پشت پرده و عیان حکومت آگاه کنند. دانشجویان انقلایی به بهای خون شریف خود همواره می‌خواستند و می‌خواهند به مردم ما آگاهی دهند، چهره جنایتکار امپریالیسم جهانی بسکرددگی امریکا را به توده‌ها بشناسانند، پرده از جنایات طبقه سرمایه‌دار ایران بردارند. آنان در دفاع از منافع زحمتکشان تا پایی جان پیش می‌روند و به همین دلیل هم سیاه‌چالهای رژیم شاه عمیشه بر از چنین مبارزینی بود. دانشجویان انقلابی به وسیله ارتش و پلیس مزدور شاه به گلوله بسته می‌شدند، زیر شکنجه‌های وحشیانه ساواک می‌رفتند، سالها در زندان‌های شاه به سر می‌بردند اما همچنان دلاورانه به آرمان خلق و فادر می‌ماندند. ادامه دارد

ما آن روزها را به خوبی بیاید دارند. نیکسون می‌آمد که قراردادهای نفت را احیاء کند و پایه‌های تسلط امپریالیسم خونخوار امریکا را بر میهن‌نامان مستحکم تر سازد. می‌آمد که پایه‌های ستم و بهره‌کشی از کارگران و دهقانان ما را محکم تر کند. خون زحمتکشان ما را به شیشه کشند و ذخایر و منابع داخلی ما را به یغما برداشته باز امریکائی در راه را به روی تمام جهانخواران باز گذاشته بود که بیانید و اینها سود اندوزی خود را از حاصل دسترنج کارگران، دهقانان و زحمتکشان ما پرسازند. دانشجویان انقلابی در مقابل چنین سیاست جنایتکارانه‌ای ایستادند. دانشجویان فریاد سردادند که:

"دست بیگانه از میهن ما کوتاه!"

آنان می‌دانستند که جهانخواران و در راس آنان امریکاست که اینهمه فقر، بی‌خانمانی، نابرا بری فساد و فحشاء و اختناق و دیکتاتوری را بر زحمتکشان ما تحمیل می‌کنند. آنان با مقاومت خود در مقابل آمدن نیکسون به ایران می‌خواستند دست را به سینه امریکا بزنند: نیکسون به زحمتکشان بگویند که آمدن می‌خواستند به زحمتکشان بگویند که مردم برای لغو آنها بی‌دریغ خود را نثار کرده‌اند. یعنی تجدید قراردادهایی که حاصل رنج زحمتکشان را به بانکهای امپریالیسم سراسر می‌کند. دانشجویان در ۱۶ آذر ۱۳۴۲ برای مقابله با چنین سیاست‌های تجاوزگرانهای و به عنوان اعتراض به ورود نیکسون دست به تظاهرات پرشوری زدند. این تظاهرات توسعه ارتش مزدور و خدالقی رژیم شاه به خون کشیده شد و سه تن از دانشجویان مبارز بهنام‌های: شریعت رضوی، قندچی و بزرگ‌نیا به شهادت رسیدند. از آن سال به بعد ۱۶ آذر از طرف گروههای متوجه دانشجویی روز دانشجو نامکاری شد و دانشجویان هم‌مسالم در این روز برای بزرگداشت شهدای خود مراسمی برپا داشتند و دانشگاهها صحنه زد و خوردگاه خونین بین دانشجویان مبارز و پلیس ضد خلقی شد. بعد از این درگیری خونین در دانشگاهها به مدت ۷ سال یعنی از ۱۳۴۲ تا ۱۳۴۹ حکومت نظامی برقرار شد و خفغان سیاسی فضای دانشگاهها را انباشت. در این سالها که اعمال دیکتاتوری جهت حفظ منافع امپریالیسم جهانی سیاست مطلوب امپریالیسم در ایران بود، سایه شوم اختناق، سرکوب و دیکتاتوری همه جا و به ویژه در دانشگاهها که کانون مبارزات سیاسی شده بود، گستردۀ شد. سازمان‌های نوپای دانشجویی متلاشی شد و رژیم با اعمال دیکتاتوری و زور سرنیزه چندسالی به قول خود دانشگاهها را آرام نگهداشت. اما در همین سالهای خفقان و دیکتاتوری هم دانشجویان از پای نشستند و فعالیتهای خود را در هسته‌های مخفی دانشجویی ادامه دادند. آنان علیه تسلط نظامی در دانشگاهها را تبدیل به بسیاری از کشورهای را آرام شدند. دانشگاهها مبارزه می‌کردند و خواستار برقراری حکومت نظامی در دانشگاهها بودند. شدن حکومت نظامی در دانشگاهها تا سال ۱۳۴۹ و روی کارآمدن اقبال ادامه داشت. در آن سالها که مبارزات خلق‌های تحت ستم علیه تسلط امپریالیسم در بسیاری از کشورهای منطقه شده بود و می‌رفت که دامنه این مبارزات به کشورهای دیگر خاورمیانه کشیده شود، بحران عمیق در سیاست و اقتصاد امپریالیسم پیش آمده بود. رشد فزاينده مبارزات توده‌ها در منطقه و در داخل میهن‌نامان از یکسو و مبارزات دانشجویان

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

عصر روز دوشنبه اول اردیبهشت برای جلوگیری از گسترش تنشیات محل پیشگام مرکزی را با اعلام اعتراض به تصمیم شورای انقلاب ترک و آن را تحويل شورای سپاه است دهنده، ضمناً به علت نداشتن برد تبلیغی پیشگام نیروی خود را از ذرورت دانشکده ها بیرون کشیده و آن را روی ساختمان پیشگام مرکزی متوجه کرد و خیابان غازدرا را به نمایشی از حق طلبی و آزادیخواهی انقلابی دانشجویان بدل کرد. با این صفت آزادیخواهی پیشگام، چهره حزب جمهوری اسلامی به تمامی بهمنیانش گذاشتند و باز ماندن دانشکاههای عقب نشینی شدند و باز ماندن دانشکاههای آزادی سیاسی و صنفی در دانشکاههای مصون بودند دفاتر سازمانها در خارج از دانشکاههای را تضمین کردند و در مورد اطلاعاتی دانشجویی هم تأثیر کردند که باشد فضای کافی برای فعالیت‌های دانشجویی توسعه شوراهای در اختیار دانشجویان گذاشتند شود. اما پیشگام موقن نشد تمام این اقدامات را که مطابق به نیازمندی وضعیت می‌باشد حداقل تا بعد از ظهر روز دوشنبه طول می‌کشد، در راس سامت مقرر انجام دهد. حدود ۴ ساعت وقت صرف ارتباطگیری و طرح مسائل با اسایر گروههای دانشجویی هوادار (بیکار، رزم‌دانان و راهکار) شد و به همین ترتیب مذکوره با حبیبی به تأخیر افتاد و این تأخیر به اضافه درهم‌برختنگی اوضاع که برآش در گیری‌های بعد از ظهر پیش آمد در مجموع حدود نصف روز برنامه پیش‌بینی شده عقب نشینی و تخلیه را به تحقق انداده که این تأخیر بر تعداد شهادت‌دانشکاه افزود و بیش از صدهانگر زخمی (اکثر آن‌ها شد.

۱- پیشگام با تاکتیکی که در پیش گرفت بیشترین سهم را در بزدن آگاهی به میان توده‌ها به عهده گرفت.

جمهوری اسلامی بودند. این سیاست البته از نظر یک جناح معین از شورای انقلاب مطلوب‌ترین بود: جناحی که در برابر تهاجم حزب جمهوری اسلامی را یک حداقل شامل بستان دفاتر دانشجویی و بستگانش دانشکاه از ۱۵ خود را به بعد با آن به توافق رسیده بود. چارچوب این سیاست قبل از آنکه منافع جنبش تولد مای و مصالح جنبش دانشجویی را اسان قرار دهد عمل مصالح گروهی و منافع و مصالح شورای انقلاب را مقدم می‌شطرد. تصویب نامه شورای انقلاب در مورد دانشکاههای همچویه آن دهن سوزی نبود که دانشجویان انتقامی برای اجرای آن کمر همت بندند یک مقاومت حساب شده بالغه می‌توانست نقش رونگرانه بسیار موثری در توضیح ماهیت دستورات شورای انقلاب و بطریق اولی حزب جمهوری اسلامی اینجا نماید و به بسیج وسیع تر نیروهای دانشجویی منجر شود.

۲- دانشجویان "دمکرات" اصلی به میدان نیامند، این‌جمنهای دانشجویان مسلمان دستگم با یک هدف مشخص یعنی مانور بین حزب جمهوری و شورای انقلاب کوشید جناح بینی صدر را در برآور حزب جمهوری اسلامی.

۳- دانشجویان پیشگام حد مقاومت خود را بوز مبنای تعمیم شورای انقلاب قسّل و ندادند. آنها این‌طور تحلیل گردند که در موارد پیش‌بینی معاشر انتقامی این‌طور خواستند.

تعقویت کند. دانشجویان "دمکرات" که به هیچ چیز و مناسب به بسیج سراسری دانشجویان و جلب حمایت وسیع تولد مای می‌ادرتند. و تا هر حدی که می‌تواند از حکومت به سود جنبش انتقامی دانشجویی امتیاز بگیرد ثالثاً هشیارانه بکوشید تا با محدود نگاهداشت دامنه درگیری‌های این‌جمن را که جوی فاشیستی برمحيط‌های فعالیت سیاسی و دانشکاهی حاکم شود. سیاست سوم می‌کوشید تا آنجا که می‌تواند بر دامنه درگیری‌ها بیفزاید، خشونت را دامن زند. حامیان این سیاست در بطن این خشونت‌ها چیزی شبیه به آیین را می‌دیدند. با این خیال که مردم جانشان به لتب رسیده و آماده قیام هستند آنها شعار پايداری به هر قیمت تا به آخر را مطرح می‌کردند.

۴- این سیاست که بلا فاصله بعد از صدور دستور شورای انقلاب اعلام کردند که دفاتر خسرود را در دانشکاهها تخلیه و آن را تحويل داده و هرگز نوع مقاومت در برآور این تعریف را محکوم کردند. این سیاست که مرزهای عملی خود را با تعصیب نامه‌ها و فرامان‌های شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور مشخص می‌ساخت بعینتی بود که ملاک منطقی را برای حد مقاومت نظر شورای انقلاب و بنی صدر باشد بلا فاصله و بی‌قيد و شرط عقب کشید.

۵- دوم سیاستی که معتقد بود در برآور این تعریف فاشیستی باید بطور شرطی مقاومت شود. این سیاست می‌کوشید با انتخاب یک تاکتیک دقیق و حساب شده اولاً با مقاومت خود ماهیت تهاجم فاشیستی و عاملین تهاجم به دانشکاهها را بیش از پیش به عهده گرفتند.

۶- ثانیا در طول مقاومت با طرح خواستهای عملی و مناسب به بسیج سراسری دانشجویان و جلب حمایت وسیع تولد مای می‌ادرتند. و تا هر حدی که می‌تواند از حکومت به سود جنبش انتقامی دانشجویی امتیاز بگیرد ثالثاً هشیارانه بکوشید تا با محدود نگاهداشت دامنه درگیری‌های این‌جمن از آن شود که جوی فاشیستی برمحيط‌های فعالیت سیاسی و دانشکاهی حاکم شود. سیاست سوم می‌کوشید تا آنجا که می‌تواند بر دامنه درگیری‌ها بیفزاید، خشونت را دامن زند. حامیان این سیاست در بطن این خشونت‌ها چیزی شبیه به آیین را می‌دیدند. با این خیال که مردم جانشان به لتب رسیده و آماده قیام هستند آنها شعار پايداری به هر قیمت تا به آخر را مطرح می‌کردند.

۷- این‌جمن دانشجویان مسلمان که در برآور

تعقویت کرد که از اصل آغاز آن بی مورد بود. این‌جمن توانست به بار آورد، یک جو مسئولیت سیاسی احساس نمی‌کند. از مهم‌ترین خطاهای پیشگام آن بود که چند سامت از حساین‌ترین لحظات را بیهوده صرف بحث‌هایی کرد که از اصل آغاز آن بی مورد بود.

۸- سازمان ما قبل از صریحاً روش کرده بود که در برآور مبارزات تولد مای این درست نیست که گروهها و سازمانهای فاقد پایگاه توده‌ای بزنانه مشترک و حرکت توافقی مشترک گذاشتند شود. دلایل و خطوات این امر در "کار" شماره ۵۱ و ۵۲ توضیم داده شده بود اما به دلایل خاص از جمله حضور آن‌گروه‌ها در ساختمان مرکزی پیشگام دانشجویان پیشگام را بر آن داشت که فکر کنند توافق به صلاح است و حال آنکه این عمل باتوجه به نحوه برخورد آنارشیستی و بی‌قید و بند گروههایی که مسئولیت تولد مای ندارند نسبت به تغییر جو سیاسی جنبش اشتباه بود. پیشگام نیز بایست تنتها ساختمان مرکزی را می‌دید. پیشگام می‌بایست تضمیمات خود را صرفاً در رابطه با تاثیر آن بر سطح جنبش اتخاذ نماید و نه جوان.

۹- پیکارهای و هواداران اشوف دهقانی با برآماده‌اشت صفت تشبیه جنازه در روز سمشیه که مصادف بود با آمدن جمعیت به دانشکاه شفاف دادند که در عمل اصل نبی فهمیدند چه می‌خواهند و به کجا می‌خواهند برسند.

۱۰- بقیه در صفحه ۱۹

زمینه‌های تهاجم به دانشگاهها و جمعیتی تجربیات اخیر ۰۰۰

بقیه در صفحه ۳

۱۱- این با آن گروه سیاسی گوش فرا داد. اکنون بعد از گذشت دو هفته از آغاز بورش به دانشکاهها کامبیش اهمیت و ابعاد مالی شکافته شده است. ولی هرگاه به مقطع جریان نطق رفسنجانی در تبریز بازگردید بورش خواهد شد که بسیاری از نیروهای اصلاحیه ابعاد عملکرد این مسئله که تا بدین حد وسیع است واقع نبودند و این عدم وقوف باعث شد که آن را دست‌کم بگیرند و بامسؤولیت کافی با آن برخورد نکنند.

۱۲- اکنون بعد از گذشت یک هفته با روشی بیشتر می‌توان سیاست درست دربرابر بورش همه جانبه به دانشکاهها را ارزیابی کرد. در ارزیابی موضع نیروهایی که قاعدها مخالف اشغال دانشکاه‌ها هستند به سیاست مشخص برمی‌خوریم:

۱۳- اول - سیاستی که بلا فاصله بعد از صدور دستور شورای انقلاب اعلام کردند که دفاتر خسرود را در دانشکاهها تخلیه و آن را تحويل داده و هرگز نوع مقاومت در برآور این تعریف را محکوم کردند. این سیاست سیاست که مرزهای عملی خود را با تعصیب نامه‌ها و فرامان‌های شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور مشخص می‌ساخت بعینتی بود که ملاک منطقی را برای حد مقاومت نظر شورای انقلاب و بنی صدر باشد بلا فاصله و بی‌قيد و شرط عقب کشید.

۱۴- دوم سیاستی که معتقد بود در برآور این تعریف فاشیستی باید بطور شرطی مقاومت شود. این سیاست می‌کوشید با انتخاب یک تاکتیک دقیق و حساب شده اولاً با مقاومت خود ماهیت تهاجم فاشیستی و عاملین تهاجم به دانشکاهها را بیش از پیش به عهده گرفتند.

۱۵- ثانیا در طول مقاومت با طرح خواستهای عملی و مناسب به بسیج سراسری دانشجویان و جلب حمایت وسیع تولد مای می‌ادرتند. و تا هر حدی که می‌تواند از حکومت به سود جنبش انتقامی دانشجویی امتیاز بگیرد ثالثاً هشیارانه بکوشید تا با محدود نگاهداشت دامنه درگیری‌های این‌جمن از آن شود که جوی فاشیستی برمحيط‌های فعالیت سیاسی و دانشکاهی حاکم شود. سیاست سوم می‌کوشید تا آنجا که می‌تواند بر دامنه درگیری‌ها بیفزاید، خشونت را دامن زند. حامیان این سیاست در بطن این خشونت‌ها چیزی شبیه به آیین را می‌دیدند. با این خیال که مردم جانشان به لتب رسیده و آماده قیام هستند آنها شعار پايداری به هر قیمت تا به آخر را مطرح می‌کردند.

۱۶- این‌جمن دانشجویان مسلمان که در برآور

۱۷- اگر سیاست مجاهدین توسط همه نیروها بيكار نبشه می‌شد بدون شک بونده اصلی بنی صدر بود. ۷

۱۸- بی‌جهت شرکت‌کنندگان در نظر جماعت به دانشکاه تربیت معلم شرکت داشتند بلا فاصله بعد از گذشت دستورات توصیه‌نامه شورای انقلاب مبنی بر تعطیل دفاتر دانشجویی طی اطلاع‌های دفاتر خود را تعطیل و به شورای سپاه است دانشکاهها و اکنار کردند. این سیاست انجمن‌ها تا وقتی شورای انقلاب رای خود را در جریان مقاومت کردند (قبل از روز شنبه ۳۱ فروردین) در برآور تعریف اوپیشان حزب جمهوری اسلامی دست به می‌داده قیام هستند آنها شعار پايداری به هر قیمت تا به آخر را مطرح می‌کردند.

۱۹- بی‌جهت شرکت‌کنندگان در نظر جماعت به دانشکاه تربیت معلم شرکت داشتند بلا فاصله بعد از گذشت دستورات توصیه‌نامه شورای انقلاب مبنی بر تعطیل دفاتر دانشجویی طی اطلاع‌های دفاتر خود را تعطیل و به شورای سپاه است دانشکاهها و اکنار کردند. این سیاست انجمن‌ها تا وقتی شورای انقلاب رای خود را در جریان مقاومت کردند (قبل از روز شنبه ۳۱ فروردین) در برآور تعریف اوپیشان حزب جمهوری اسلامی دست به می‌داده قیام هستند آنها شعار پايداری به هر قیمت تا به آخر را مطرح می‌کردند.

۲۰- بی‌جهت شرکت‌کنندگان در نظر جماعت به دانشکاه تربیت معلم شرکت داشتند بلا فاصله بعد از گذشت دستورات توصیه‌نامه شورای انقلاب مبنی بر تعطیل دفاتر دانشجویی طی اطلاع‌های دفاتر خود را تعطیل و به شورای سپاه است دانشکاهها و اکنار کردند. این سیاست انجمن‌ها تا وقتی شورای انقلاب رای خود را در جریان مقاومت کردند (قبل از روز شنبه ۳۱ فروردین) در برآور تعریف اوپیشان حزب جمهوری اسلامی دست به می‌داده قیام هستند آنها شعار پايداری به هر قیمت تا به آخر را مطرح می‌کردند.

تلویزیون باز هم تنها جعلیات و فحاشی عناصر معلوم الحال را پخش میکند

در زندان اهواز به مسلسل نمی بینند، بلکه این اعمال وحشیانه و تروریستی را دشمنان سوگند خورده مردم و مزدوران انجام می دهند. پیابراین سخن نماینده دانشجویان پیشگام که تهاجم پیابراین سخن نماینده دانشجویان و کشtar آنها را در دانشگاه، در خیابان و در زندان به باندهای سیاه چنایتکار نسبت داده است، عین حقیقت است و هر کس یک جو عقل و یک سر سوزن انصاف داشته باشد حرف نماینده پیشگام را باور می کند، نه ادعاهای کسانی که این کشtarها را به مردم نسبت می دهند.

دیر نیست که مردم قهرمان میهن ما، این چنایتکاران را به سرای اعمال چنایتکارانه خویش برسانند.

باقیمانده آبروی رفته خود را باز گردانند. این محافل و عناصر متوجه که سازماندهان دانشگاه را با مستقیم دارودستهای قمه کش بوده و عامل نفاق - اتفاقی و خونریزی در میان مردم بوده و هستند، این عناصر که مستقیماً داشته اند و حتی با کشtar دسته جمعی دانشجویان اقلاییسم امریکا قرار دارند از آکاهی روز افزون مردم و به پیزه از افسای حقایق مربوط به کشtar دانشجویان شدیداً به وحشت افتاده و تلاش دارند مسئولیت جنایات و آدم کشی خود را به گردن مردم بیندازند. اما امروز دیگر هر کسی این را می داند که مردم دانشجویان را به کلوله نمی بندند، مردم سینه دختر بجهه دانش آموز را با دشنه قطعه قطعه نمی کنند، مردم دانشجویان زندانی را

پس از پخش مناظره تلویزیونی و افشاری محافل و دارودستهای قمه کش و چنایتکارانی که دانشگاه را با خون دانشجویان شهید دانشگاهها رنگین ساختند، پرخی از عناصری که در این کشtarها مستقیماً دست داشته اند و حتی با کشtar دسته جمعی دانشجویان این لحظه با توانه بیدار تاریخ نام شهد و سرتخت بوده اند، روی جلادان رژیم شاه و فاشیست های خون آشام را سفید کرده اند، با بی شرمی تمام تلاش دارند این کشtarهای وحشیانه را به مردم نسبت دهند.

آنها پس از آنکه مشتشان باز شده و بخصوص پس از پخش سخنانی که نماینده سازمان دانشجویان پیشگام در مناظره تلویزیونی اظهار داشته بود، به تقدیم افتاده و مذبوحانه تلاش دارند

وزیر کشاورزی حکم توقيف زمین های فنودالها را الغویی کند

سدوز و یادکارلو می گویند اگر کسانی که علیه زمینداران بزرگ مبارزه می کنند کمونیست هستند پس همه ما کمونیست هستیم. اما پرسیدنی است که امثال در هنگام اوج گیری مبارزات دهقانان یادکارلو برای مصادر زمین زمینداران وابسته، آیت الله ربی شیرازی ها که از منافع زمینداران حمایت می کنند و به دروغ خود را طرفدار "مشتضعفین" می نامند طرفدار چه مراسی هستند؟ در زیر سند حمایت شیرازی از زمیندار معروف خسروی را ملاحظه می کنید.

را دوباره در اختیار خسروی را در تاریخ ۲۶ اسفند ماه ۵۸ رضا اصفهانی معاون وزارت کشاورزی طی نامه ای دستور توقيف زمین های دکتر بهمن خسروی در سدوز را امضاء می کند. این دستور که در بی مبارزات دهقانان سدوز صادر شده بود توقيف زمین های تحت تصرف نامبرده را مطرح می کرد تا یک هیئت هفت نفری برای رسیدگی به محل برود. اما، دو هفته بعد شیرازی این دستور را باطل کرده و زمینها

روزنگان هستی و داشت

روزنگان هستی و داشت
ما از شما چگونه شوئیم
کایتلوونه مانشانه تو می خنبد
بذر شهامت و بیداری را
شادی های دور، بیاراند
با سرخی حمایه و ایمان
این لحظه با توانه بیدار تاریخ
نام شهد و سرتخت
زیبائی توانه آزادیست
ما از شما چگونه شوئیم
ای سفر گله، ای سفر نبرد ا

وزیر کردستان منتشر شد

تُرور زندانیان سیاسی در زندان

بیانگر ورشکستگی چنایتکاران است

تُرور زندانیان سیاسی در زندانها، فجیع ترین شیوه ای است که مبتکر آن فاشیستهای چنایتکار و دیکاتوری های سوسپرد های نظیر حکومت شاه بوده اند.

اینگونه تُرورهای ناجوانمردانه کمال ورشکستگی ایدئولوژیک و اخلاقی دُخیمان است. این تُرورها را رژیم های مرتكب می شوند که یا هیچ پایگاه توده ای ندارند و یا می دانند که دیر یا زود پایگاه توده ای خود را از دست خواهند داد.

ما تُرور آیت الله معدر را در زندان رژیم عراق که در نفس و ماهیت عمل یه تُرور رفقای شهیدمان توماج و همزمان و کشtar دانشجویان اقلایی زندان اهواز شبهه است، شدیداً محکوم می کنیم و عاملان و مجریان اینگونه اعمال چنایتکارانه را دشمنان خلق و سوسپردگان امپریالیسم می شناسیم.

